A STORY CONTRACTOR AND ADDRESS OF THE PARTY	THE REPORT OF THE PROPERTY OF
منياء ١٠ ويقرعه ١٥.	استانت سرکز مومی نیمال اول ۱٤٠٠-۱٤٠١
ره. ده ۱ نره به اردت	ا تا الارتمان الارتمان الارتمان الم
	ا کلد اشتحان: ۲۴۰۰۱/۱۷ تاریخ اذمون: ۱۲۰۰/۱۰/۱۵ تاریخ اذمون: ۱۲۰۰/۱۰/۱۵
ره. درو فره به دروت	كتاب: دروس في علم الاصول
	محدوده: دلقه ثانيه: از ابتداى اصول عمليه تا پابان كتاب
	السلامة المنافي المنول عديد تا پايان كالب
./3	کی از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید. ۱ – به نظر شهید صدر ارا قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ الف احتیاط عقلی و برانت عقلی □ ب احتیاط عقلی و برانت شرعی □
	🥒 ج. برائت شرعي و احتياط عقلي 🔲
	د. برائت عقلی و برائت شرعی 🗌
./5	۲- در موارد دوران امر بین محذورین کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟
	الف. رکن چهارم 🗆
	ب. رکن سوم 🗖
Č.	ج. رکن دوم □
	د. رکن اول 🗆
./3	۳- به نظر مصنف دلالت کدام یک از ادله بر حجیت استصحاب تمام است؟
2	الف. غلبه و ظنَ به بقاء □
Graph in	ب. سيره متشرعه 🗆
PORTUGAL.	ج. سيره عقلاء □ د. اخبار □
-/0	د. احبار ک ٤ - مراد از اثبات در «اصل مثبت» چیست؟
	الف. اثبات لوازم غير شرعي 🗆
	ب. اثبات حكم غير شرعى 🗆
	ج. اثبات لوازم شرعي 🗆
./0	
	د. اثبات حکم شرعی لــا ٥- نام حالتی که شخص اجمالاً میداند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی <u>نمیداند</u> کدام مقدم است، چیست؟
	الف. الشك بين المحذورين 🗆
	ب. مجهولي التاريخ 🗆
	ج. الشک التعلیقی
./۵	د. توارد الحالتين 🗆 🏲 - نسبت بين دو حكم «أنّ الشاك في الركعة الثانية يعيد الصلاة» و «كثير الشك ليس بشاك» كدام است؟
	الف. تخصيص 🗖
	ب. حكومت 🗖
	ج. ورود 🗆
ک دمید، صدد اثبات	
ورده در	د. تقييد 🗅 ٧- استدلال در عبارت: «أن العقلاء في أعرافهم يقبّحون عقاب المامور على مخالفة تكليف لم يصل اليه» را تبيين
, , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	چیست؟
1	
A risks to be a secure of the second of the	
and the second of the second of the second	

امتحانات نيمسال اول ١٤٠١-١٤٠٠: اصول فقه ٤ كد: ٢٤٠٠١/١٧

ای وجوب احتیاط در شبهات بدویه و اشکال أن را	 متقريب استدلال به حديث: «الوقوف عند الشبهة خير من الاقتحام في الهلكة» برا بنويسيد.
7	
لاجمال، لما تقدم من تضاد الاحكام التكليفية» چرا در (۱۰۰ چيست؟	۹- با توجه به عبارت: «ان الترخيص في جميع الاطراف ينافي الوجوب الواقعي المعلوم با/ مشهور قائل به استحاله جريان برائت در همه اطراف علم اجمالي شدهاند؟ نظر شهيد ص
	۱۰ - قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق آن با استصحاب را بنویسید.
	۱۱- استصحاب «کلی قسم دوم» را در ضمن مثالی تبیین کنید.
1	
T	۱۲- «تعارض» اصطلاحي را تعریف کرده، چه تفاوتي با «تزاحم» دارد؟

The file of the state of the st	- (100 May 1 16 1
	0
اسخانات ممركز عمومي نيميال اول ٩١-١٣٩٨ منينه ١٠٠٠ نه ١٥ منابع ١٥٠٠٠ منينه	مين المينية ال
۲۹۸۷ لینم ۵ مال بهتم ۷ مال شهم بارووت شامیان شهر ایرووت این مستخ اول نروبه مود نروبه و دون این مستخ اول نروبه مود نروبه و دون این مال ۱۳۹۸/۱۰	141
THE REPORT OF THE	
ن علم الاصول المملكة الاول و النابه في اسلوبها النام) من علم الاصول المملكة الاول و النابه في اسلوبها النام) من من علم الاصول المملكة تا يابان كتاب (ص٢٦١-٢٢١) من علم مدرسة	
	حذفیات: ندارد
The second of th	1000000
نام در: کد ملکی: درسه طبی: مررتان: امان:	نام و نام مانوادي:
ليه شريفه: «لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها» (المالات؟) قدر متيقن از موصول چيست؟ ص ٢٢٤ ما الله الله نفسا الا ما	۱- با تمحه به ممیدا
	الف. تكليف 🗆
	ب. فعل 🗆
	ج. جامع □
گر شخصی شک کند ۱۰ تومان بدهکار است یا ۱۵ تومان، چه اصلی جاری می شود و چه مقدار باید پرداخت نماید؟ س۲٤٧	د مال ∑ ۲- از حیثاصولی، ا
-	الف. اشتغال – ١٥ تومان
	ب اشتغال- ۱۰ تومان
	اج. برائت – ۱۰ تومان آ د. برائت– ۱۵ تومان 🗆
«اصل مثبت» چیست؟ ص ۲٦٥ (ازمون ورودی سطح سه سال تحصیلی ۹۷–۹۱)	۳- مراد از اثبات در
	الف. اثبات حكم غير شر
・ 「 「 「 」 「 」 「 」 「 」 「 」 「 」 「 」 「 」 「	ب. اثبات لوازم غیر شرء ج. اثبات لوازم شرعی [
	د. اثبات حکم شرعی 🛘
ورت تعارض مستقر چیست؛ ص ۱۸۰۶ و ۱۸۱	3 - اصل ثانوی در ص الف. ترجیح با مرجح ☑
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	
그는 그 그리고 그로 가고 있다면 하는 그들은 그리고 하는 생각이 생각하는 것이 없었다.	
به و ثانویه هنگام شک در تکلیف چیست؟ قاعده اولیه را بنابر نظر مشهور و شهید صدر ^{اره)} بنویسید. ص ۲۲۲ و ۲۲۳	د تخيير 🗆 ۵ - مراد از قاعده اول
	atti in italia i i 🖁
م يعنى الجه عقل با قلع نفر الرسل علم الله الله على من الناد (١ نامره) فلا على من الناد (١ نامره) شك در تكليف را برائت عقلى من دانند (١ نامره) شيء فيه حلال و حرام فهو لك حلال ابدأ حتى تعرف الحرام منه بعينه فتدعه» بر برائت را تقرير نماييد. ص ٢٣٠ شيء فيه حلال و حرام فهو لك حلال ابدأ حتى تعرف الحرام منه بعينه فتدعه» بر برائت را تقرير نماييد. ص ٢٣٠	ICA . A . I. TIME W
1	C 10 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1
ید بر جعل خلیت در هر موردی حسور است جعل حلیت به این معنی تعبیر دیگری از عدم وجوب احتیاط در موارد شک در تکلیف است ن یعنی خلیت، حکم ظاهری است و واضح است جعل حلیت به این معنی تعبیر دیگری از عدم وجوب احتیاط در موارد شک در تکلیف است	و تمييز أن ادامه دارد و اي
ار نحوه شک در شبهات موضوعیه مطرح نمودهاند، دو موردی را که مجرای اصل اشتغال هستند، به همراه مثال تبیین	لیعنی برانت میشد. ۷- شهید صدر (۱۰) چه
(1) (1) (2) (2) (2) (2) (2) (2) (3) (3) (3) (4) (4) (4) (4) (4) (4) (4) (4) (4) (4	idulia a KTT a PTT
دی در ضمن فردی و شک در وجود آن در ضمن فرد دیگر در صورتی که متعلق وجوب اطلاق بدلی باشد، وجوب غسل با آب و یقین دارد آب بودن ظرف دوم شک دارد، اصل اشتغال جاری می شود چون شک در کفایه غسل با مشکوک المائیة است. ۲- شک در تحقق متعلق امر	ا جواب: ۱- جزم به وجود قیر دا فیلیا کو است ملی در
نکه نماز واجب است مکلف شک دارد نماز را اتیان نموده یا نه؟ که اصل اشتغال جاری می کردد. (۳- شک در وجود مسقط مانند اینکه می داند	یعنی شک در امتثال مانند ای
ا امر به عقیقه است لکن شک دارد که آیا قربانی کرده یا خیر در این صورت بنا بر نظر مشهور اگر شک در مسقط به شک در بفاء تخلیف بر	قرباني روز عيد قربان مسقط
«عدم مسقط» قید بقاء تکلیف باشد در این صورت مانند شک ناشی از احتمال امتثال است و اشتفال جاری می گردد.) [نوشتن دو مورد کفایت	گردد نه حدوث تکلیف یعنی م نمایدا
· 통 🛌 그는 그는 그는 그는 그림들은 조건들은 전문 등 전문적인 그 가장 됐습니다. 모든 작은 그는 모든 모든 그를 되었다. 그는 그를 모든 그를 모든 그를 보고 있다면 다른 그를 모든 그를 보고 있다. 그를 모든 그를 모든 그를 모든 그를 보고 있다면 그를 보고 있다면 다른 그를 보고 있다. 그를 모든 그를 보고 있다면 그를 보고 있다면 그를 보고 있다면 그를 보고 있다. 그를 보고 있다면 그를 보고 있	

and the second

1 51/00 1 - (31, 600) - (324 2) -
- عبارت: «أن يكون جريان الاصل المومن في الطرفين موديا الى الترخيص في المخالفة القطعية و امكان تحققها في الخارج عن أذن
Y50 of Structure of the second
شرعی وامًا مع امتناعها» را در قالب مثال تبیین کرده، ناظر به چه مطلبی است؟ ص ۲٤٥
واب: رکن چهارم علم اجمالی است یعنی اگر در همه اطراف علم اجمالی، اصل ترخیصی (برانت) جاری شود منجر به ترخیص در مخالفت قطعیه شود و البته وقوع
خالفت قطعیه در خارج با اجازه شارع، ممکن باشد و اما اگر در خارج ممکن نباشد در حقیقت منجر به ترخیص در مخالفت قطعیه نیست تا منافی تکلیف بالاجمال باشد.
انند: «دوران امر بین محذورین» مثل وجوب یا حرمت دفن کافر که حتی برفرض جریان اصل ترخیص در دو طرف، چون نمی توان هر دو طرف را ترک نمود، مخالفت
طعيه ممتنع است.
9- قاعده «اليقين» را به همراه مثال تبيين كنيد. ص ٢٥٣٠ و ٢٥٤
جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنجه می بنداشتیم، وجود داشت (یقین، صادق
ود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص در روز
جيدة شك كنيم. - المراكب على المراكب
۱۰ - استصحاب «کلی قسم دوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل جریان آن را بنویسید. ص ۲۷۰
جواب: مكلف مى داند يا زيد يا خالد در مسجد هستند غير اينكه بعد از مدتى زيد را خارج مسجد مى بيند پس اگر زيد داخل مسجد بوده الان خارج شده است و اگر خالد ا
بوده شاید هنوز داخل مسجد است، اگر دو فرد در نظر گرفته شود در هیچ یک شک و یقین محقق نیست و استصحاب جاری نمی شود ولی اگر طبیعی (زید یا خالد) در
نظر گرفته شود، متیقن الحدوث و مشکوک البقاء است در نتیجه اگر اثر شرعی بر آن بار شود استصحاب جاری می کردد. (چهار رکن استصحاب موجود است.)
۱۱- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزاحم» و «ورود» دارد؟ ص ۲۷۸ و ۲۷۹
جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهایشان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض، تنافی
بین دو جعل است ولی تزاحم تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (٥/٠ نمره) تعارض بین دو مجعول (فعلیت دو عجم) که فعلیت یکی، سوستی
فطیت دیگری را نفی (یا محقّق) میکند، و تعارضی بین دو جعل نیست (۰/۰ نمره)
#
★ 11. 1 전 경우를 발견하는 보험 회에 보았다. 보다 경우 과 교육을 가고 환경을 가득하는 것으로 함께 된다.
#
그는 그는 그를 살아보기 하셨어까? 하면 하는 이 이 경기 하는 아래 하는 이 나는 생기에 걸어 없다.
그는 지어 잃어지지 않는 일을 일을 일하는 맛있다면 됐네. 그래 그리는 그리는 그리는 사람이 없다면 살아 없었다면 살아 없었다면 살아 없었다면 살아 없었다면 살아 없었다면 살아 없다면 살아 없다면 살아 없다면 살아 없었다면 살아요니다면 살아요니
그 그 그 그 그는 지수는 경기들이 많아 가장 사람들이 많아 가장 하면 그 사람들이 되었다고 말했다. 그 나를 취임되었다.
그 그 그는 그런 경면, 얼마하다 사람은 다른 얼마를 그는 다른 나는 다른 나는 다른 나무를 보니 맛을 그 모를 하고 있다.
그는 이렇게 가게 되었다는 물을 가게 그는 이 살으면 된 사람이 되지 않아 있다는 이 나를로 취심했다.
그는 시간 1일을 깨끗하면 어떻게 되었다는 사고하다 하나면 생생하게 하는 것으로 보다 보다 있다.
그 사람들이 모르고 있다면 하는 사람들은 사람들이 되었다.
그는 그는 그는 그는 그를 가는 것이 되었다. 그는 그는 그는 그는 그는 그를 가는 것이 되었다. 그는 그를 가는 그를 가는 것이 되었다. 그는 그를 가는 그를 가는 것이 되었다. 그는 그를 가는 그를 가는 것이 되었다. 그를 가는 그를 가는 것이 되었다. 그를 가는 것이 되었다면 되었다. 그를 가는 것이 되었다면 되었다면 되었다면 되었다면 되었다면 되었다면 되었다면 되었다면
그는 그 전문학계획 개통과 인상, 대로 하면 되었다. 그렇게 되는 이상 사람들의 사람들은 사람들이 되었다. 나는
«سلمانه دراه کوتام ۱۲۹۲/۱۷۱۱۲۱۲۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتمانی میباشد.»

Scanned with CamScanner

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتمان و شماره سؤال به صورت دقیق مهت امکان بررسی و موابگویی ضروری میباشد.»

自私

من المن المن المن المن المن المن المن ال	نات سمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۳۹۷-۹۸ پایه نیم وردوی بس	امخان المخان ال
شرمان: المان:	ر طلکې: درسه علميه:	نام و نام خانوادگی:
.13	ن اب بلابیان» کدام است؟ س ۲۲۳	1- محور استدلال مرحوم نائيني ادا بر قاعده «قبح عقا الف. ان العقاب مع عدم العلم بالتكليف ظلم □ بد حق الطاعة يختص بالتكليف المعلوم □ ج. تقبيح العقلاء في عقاب غير العالم □ د الا تناب التحكيدة عدم العالم □
مسابقات علمی منطقهای ۹۷-۹۹) (۵۱۰)	ان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲٤٧ (د. لامقتضی للتحرک مع عدم العلم ☑ ۲- در موارد دوران أمر بین محذورین کدام یک از ارکا الف. رکن چهارم ☑ ب. رکن سوم □ ج. رکن دوم □
دائنه يوم الخميس ٦. فشك في خوراً المائنة يوم الخميس ٦. فشك في خوراً المائنة والمائنة والمائنة والمائنة المائنة المائن	خمیس ۱. فشک بعم الجمعة فی عا رای کدام ناعده است؟ من ۱۳۶ اسات	د رکن اول 🏻 ۲- در مثال «ادا کان علی یقین من عدالة زید یوم ا انفسق یوم الجمعة» طر یک از جمله ها به ترتیب مج انحمیل ۲۰-۳ الف قاعده یقین – قاعده مقتضی و مانع 🗹
	لم الدين» چيست؟ ص ٢٨١	اب. فاعده مقتضی و مانع - قاعده یقین □ ج. قاعده مقتضی و مانع - استصحاب □ د. استصحاب - قاعده یقین □ ۲- نسبت بین دو دلیل «اکرم العالم» و «أذّما العالم عا الف. التخصیص □
عیه را توضیح داده، شهید صدر الشاچه	دعث . سيد لا» السراء ١٥٥ يو ب الشيا شمو	ب الحكومة ☑ ع التقييد ☐ د الورود ☐ ☐ نحوه استدلال به أيد شريفه «و ما كنّا معذبين حتى
ل آل ال	مثت رسول، عذاب نمی کند و جون «رسول یفه، عدم عقاب در صورت عدم صدور بیان «وصول» در نتیجه نمی توان با آن براثت	ان کالی بر این استدلال وارد می کند؟ س ۲۲۵ اُ جواب: استدلال: آیه شریفه دلالت بر این دارد که خداوند قبل از با عدم عقاب قبل از بیان اثبات می شود. نقد: غایت دلالت آیه شری مانعی، واصل نشود در حقیقت «رسول» مصداق «صدور» است نه
ن نمایید. ص ۲۳۰ بی دیگر حرام است متلا در پنر برخی ار انواع): «کل نامین فیه حلال و حرام فهو لیه استدلال می نمایند؟ با مثال تبیم بل به نحوی که فسمی از آن حلال و فس	را اثبات نمود. [زیرا ممکن است دلیلی صادر شده باشد ولی واصل ۱۳ - چگونه برخی از ظاهر «فیه حلال و حرام» در حدیث ابعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوع جواب ظاهر « فیه حلال و حرام» دلالت دارد بر وجود دو قسم بالف آن حلال است و برخی حرام است (مثلا در صورتیکه مایه آن از م
ر المتحالات المحال فوم ٩٨-٩٧ اصول فقه في كان ٢٩١١/١٢٧	ender wykrenieway al ole o ola gwel grewner (

رء در موارد شبهه موضوعیه محقّق نمی شود زیرا در موارد شبهه حکمیه مثل شک در حرمت سیگار کشیدن، سُک ناشی از عدم وصول نس بر تحدیم	. جز
We have the state of the state	41
شد نه ناشی از وجود دو قسم عادل و حرام از چیری. شهید صدر (ده) چهار نحوه شک در شبهات موضوعیه مطرح نموده اند، دو موردی که مجرای اصل برانت هستند، را به همراه	ٔ ـ ش
. تبيين نماييل. ص ١٢٦–١١٨	تاا .
ر ۱- شکرد اصل وجود قید که موجب شک در فعلیت تکلیف می گردد و برائت جاری می گردد مانند: وجوب نماز ایات مفید به حسوف است، پس	ممان
کی در کسوفی شک در فعلیت نماز ایات است که مجرای آن برائت است. ۲- جزم به وجود قیدی در صفی فردی و ست در وجود آی فرد سال	
درگر در صورتی که متعلق وجوب اطلاق بدلی داشته باشد مانند: وجوب اکرام عالم و یقین به عدالت رید و سک در عدالت عموو و برات جری کی ا	
د چې څک د. حدوث تکلیف جدید است(۳– شک در وجود مسقط مانند اینکه می داند قربانی روز عید قربان مسقط افر به تغییله است کی سات حرب	11.5
آیا قربانی کرده یا خیر در این صورت بنابر نظر شهید صدر (ره) جون شک در وجود است بقاءاً محرای برانت است لکن استصحاب وجوب مقدم است.)	حرد. که ا
. ک. دوم ونحایت علم احمالی ۱ تسن نموده، مثالی برای اختلال این رکن بنویسید. ص۱۶۰	_ \
ال بي كن دوه؛ وقوف علم برحامع وعدم سرايت به فرد زير! در ابن صورت علم اجمالي نيست بلك، علم تفصيلي است و همان فرد منجر است. منان علم	لحدا
یم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می شود. پیم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می شود.	ا بر الدل ر
م الأمل مثبت» حجت نيست؟ تمضيح دهيد. ص ٢٦٥	9 1
- چرا «اصل مبعه حبح میسم» حبح می است. از تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل منبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که واب: [استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر اثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل منبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که	اد
- عرب مراسية على السرير بواسطة إثبات ويش محاسن با استصحاب حيات زيد، إ	- //
الله الراب الله من كه حكم شاعل المستقيما بلون تعبد به رويش محاسن زيد و با استصحاب خيات او اثبات كثيث غير كمان الستارين	
ے کے مصرف حجاب ایس نو حات زید و اگ مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا رویش محاسن را اثبات صید و به سی م	- 11
الالمات كالمنظ المنظم المنات حوال المتعالج المن كه مقاد لاليل استصحاب اين است كه مشكو كا لبقاء را عي تويد بعي فرص عن ١٠٠٠ المنا	41
و در در در خات ا دره خوان تر به توروه در داره اثاري که خود منزل جعل کرده است و سامل آماري که تحت چي و دره	. 4
قرار می دهدا، و عرف نبریل منظری است به توسط در میران از دایره مجمولات منال ناچ است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. [رساندن مفهوم مقام ما رویش محاسن از آن جهت که آثر تکوینی حیات است. از دایره مجمولات منال ناچ است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. [رساندن مفهوم	
اکفایت مرکندا	4
10- مراد از استصحاب سببی و مسببی را در قالب مثانی توضیح دهید می ۲۷۰-۲۷۱ حواب در صورتیکه مستصحب، موضوع حکم شرعی باشد با جریان استصحاب موضوع اتبات شده و حکم نیز بر آن مترقب می شود (فعلیت میابد) مثلاً حواب در صورتیکه مستصحب، موضوع حکم شرعی باشد با جریان استصحاب موضوع اتبات شده و حکم نیز بر آن مترقب حکم جواز شرب بر آن	
0. 10 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0	<i>e</i> .
امترتب می گردد زیرا اثر شرعی طهارت آب است. از فوف نیسر طوف بود مرف کرد و است. در اصطلاح به استصحاب موضوعی، اصل سبیی و به ا شرب، طهارت آب اثبات نمی گردد زیرا اثر شرعی جواز شرب نیست بلکه لازمه غیر شرعی آن است. در اصطلاح به استصحاب موضوعی، اصل	
	ii
۱۱- مراد از عبارت «ان التنافي بين الحكمين تارة يكون بين الجعلين و آخرى بين المجعوبين» به تسر و تعلق مين	
ص ۲۷۹ (استحانات عمومی نیمسال اول ۹۷-۹۶) چواب: در تنافی بین دو جعل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر مستاع و جعل حریمت حج بر مستطیع که دو مدلول با هم تنافی دار در این دارد این این دو جول این در مداول است، مثال: دو مجاول ا	
	11
ادر تنافی بین دو مجعول به این نحو که فعلیت دو حکم به هم فنافی شاره و در تخلیف با هم نباش دارند. زیرا منگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول ادر دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم نباش دارند. زیرا منگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول	
استفی و در نتیجه حکم فعلی نیست	
ر برون برون برون برون برون برون برون برو	
«سامانه پیام کوتاه ۱۹۲۲/۱۷۴۴۲۱۱ مودی معاونت آمروش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتمانی میباشد.» «در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتمان و شماره سؤال به صورت دفیق دیت امکان دررسی و موابگویی ضروری میباشد.»	-
«دا متفادت بالاسال فيحو حاصون وحط حد بمصورة هيات بالاسال في سويان في بالمرابعة والمتعاد هيات في المتعاد والمتعاد	1

امتحانات ليمسال دوم ٩٨-٧٣ اصول فقه ٤ کت ٢٢٧٢.٣٧

قرم ۱۸

	40.55	
	L / "	@1
معكس ١٠ صبح الد ١٥ حيكي ١٠ دقيقه	متحانات متمرکز عمومی (مطح ۲)	'I eminer
الندائم مغ ال فردها فرودن	49.41.11111	71Y1/7·
	لیمسال اول ۱۸–۹۷ به پنجم ۵ساله	1797/1/4
تعديثهم نبيع نريدن	پایه ملتم لاساله	من اصول فقه ۴
1 61.	مهر مدرسه	. دروس في علم الاصول «منك» الارار وقارة فراسلوها فادر»
		ر از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)
شرمان المان	کدهنگی ا	soft Shiplage
./5	ام است؟ ص ۲۲٤.	۱- مرجع اثبات قاعده ثانویه در تکالیف مشکوک کد
		الف. عقل 🗖
		ب. برائت 🗆
		ج. عقلاء 🗆
		د. شرع ⊡
عینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به	ام فهو لك حلال ابدا حتى تعرف الحرام منه بـ	۲- از کدام بخش حدیث «کل شیء فیه حلال و حرا
-/۵	,	شبهات موضوعیه استدلال نمودهاند؟ ص ۲۳۰
		الف. حتى تعرف الحرام 🗆
,		ب. فیه حلال و حرام ☑
		ب في عدن و عرم ج. كل شىء □
		ے۔ تا سیء □ د. فتدعه □
-/۵	ية ص. ١٦٥	۳- مراد از نهی در «لا تنقض الیقین بالشک» چیست
And the second s		الف. نهى تكليفى 🗆
		ب. نهی تکوینی 🗆
		ج. نهی ارشادی ☑
		د. نهی تنزیهی 🗆
-/٥	لى (مبناي مسلك حقالطاعة) چيست؟ ص ٢٨٧	٤- دليل تقديم برائت شرعيه بر اصالة الاشتغال عقل
		الف. ورود 🗹
		''' ب. حکومت □
		ج. تخصص 🏻
		د. تخصیص 🗆
<i>ى</i> السياق الا انه مورد و هو لا يخصص	ن المال هو المتيقن من مراد الموصول بمقتض	ه- عبارت ««لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها» (طلاق: ١٧ ان
7	۲۲ – ۲ نمره	الوارد» را تبیین نموده، در صدد اثبات چیست؟ ص ٤'
نی مالی در ابتدای آیه مطرح است قدر متیقن از	ىل ٣. تكليف ٤. جامع كه با توجه به اينكه بحث انفاق	جواب: در موصول «ما» چهار احتمال مطرح است: ۱. مال ۲. فع
باقی است (۱ نمره) و میتوان با تمسک به آز	خصص الوارد» أیه تخصیص نخورده و بر اطلاق خود	«ما» موصول، مال مى اشد لكن با توجه به قاعده «المورد لا يه
یه استفاده نمود. (۱ نمره)	ت اثبات شده و می توان از أیه برای اثبات برانت شرع	جامع را اثبات نمود و با اثبات جامع، تكليف نيز كه تحت أن اس
سبحانه و اخفاها على العباد و لا يشمل	لله سبحانه فيختص بالاحكام التي لم يبينها	٦- اشكال مطرح در عبارت «ان الحجب مسند الى ال
۲ – ۲ نمره ۲	بات برائت، تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۲۹	محل الكلام» را بر استدلال به حديث حجب براى اثب
		جواب: برخی بر استدلال به حدیث حجب «ما حجب الله علمه
اعم است (یعنی مواردی را که صادر شده ول	خود خداوند أن ها را بيان نكرده ولى محل كلام ما	است (حجب الله) در نتیجه روایت مخصوص احکامی است که
		واصل نشده را نیز شامل می شود) (۱ نمره) پاسخ: در صورتی که
		دلیل ندارد بلکه اسناد حجب به خداوند از این جهت است که هم
	, , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	41

M-A-

قرم ۱۸

۷- رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲٤٥ ـ ۲ نمره ۲
جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم
ا اجمالی تیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می شویم اشتباه کردهایم
در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل می شود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می شویم لیوان نجس لیوان سمت
راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل میشود.
۸- قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق أن با استصحاب را بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۶ - ۲ نمره
جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می بنداشتیم هست، وجود داشت
(یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان
شخص در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به آن تعلق گرفته است، تعلق می گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب،
شک در بقاء متیقن است بدون آنکه یقین سابق به لحاظ زمان سابق از بین برود.
ابه عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقة ناقض نیست و به عبارت دقیق تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از
تحقق أنچه مىخواهيم اثبات كنيم ولى قاعده يقين چنين نيست.]
۹- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (۱۰) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۹۸ - ۲ نمره
جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بجوشد حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز
باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می شود یا نه استصحاب می کنیم أن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم ناثینی (۱۰): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و
جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز
امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.
۱۰ حکم تعارض (تنافی) بین دلیل عقلی و دلیل شرعی چیست؟ توضیح دهید. ص ۲۷۸ – ۱ نمره
جواب: درصورتی که دلیل عقلی قطعی نباشد، حجت نیست در نتیجه حجت نیست تا تعارض حقیقی واقع شود (۱۰۰ نمره) و در صورتی که قطعی باشد بر معارضش
مقدم می شود زیرا دلیل عقلی قطعی مستلزم قطع به خطای معارض است و هر آنچه که قطع به خطای آن داریم از حجیت ساقط است. (۱/۰ نمره)
ا ۱۱- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثانی بزنید. ص ۲۸۱ - ۲ نمره
جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می کند از ایران از از از از ایران
گاهی آنها را توسعه میدهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محکوم). لا ربا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام ا شرعیه مثل وجوب صوم و (۰/۵ نمره)
سرحيه من وجوب صوم و (۱۰۰ نمره)

امحانات ممركز عمومي (مطح ۲)	
ا کاناک عرف و کار کے ا	7/20
فيم سال اول ١٧- ١٤ بنج ساله و هذه ساله	1895/11/77 is
الكنوائم مخ الا فروسا فرورات	ر اصول فقه ۴
مر مارب	دروس في علم الاصبول (الحافة الأولى و كند النابية في السلوبية الناتر)
	مد از ابندای اصول عملیه تا بایان کتاب
كوهم كل المان ا	ergt Spirit
و واجب است، زیرا شک در استطاعت خود دارد» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶	۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد حج بر ا
-/6	الف) شک در تکلیف و مجرای اشتغال 🗆
	ب) شک در مکلف به و مجرای برائت 🛘
	ج) شک در مکلف به و مجرای اشتغال 🛘
	د) شک در تکلیف و مجرای برائت 🗹
صحاب کدام است؟ ص ۲۷۶	٢- نقد استدلال به سيره عقلاء بر حجية الاسته
	الف) يحتمل ان لا يكون بنكتة الكشف ☑
	ب) لا يمكن احراز هذه السيرة 🛘
7	ج) يحتمل الردع من جانب الشارع 🗆
	(ع) لا يمكن اتصالها الى المعصوم (ع)
الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان	۳- دليل مطرح در عبارت: «ليس في الحكم الا
-/0	کدام استصحاب است؟ ض ۲۹۱
	الف) مونسوعات مركبه 🗆
	ا ب) تدریجیات □
	ج) حکم معلق ☑
	د) توارد حالتين 🗆
لاولی، لابد ان یعید» و «لا شک لکثیر الشک» چیست؟ ص ۳۰۵	11
	ا الف) تقييد 🗖
	ا ب) حکومت ☑
	ا ج) تخصُص □ ا ن
	د) ورود 🗆
ی نبعث رسولا» بر برائت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲۶۳	
، نمی کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلالت	ا جواب: با توجه به اینکه قبل از بعثت رسول خداوند عداب
می که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع است	می دند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگاه
	نه وصول فعلی به مکلف.
ض المحقّق النائيني بان الاسـتصـحاب يكون وجيهاً لوكان الاثر المراد ترتيبه ثابتاً للواة 	۱۱ - اعتراض محقق نایینی (ره) در عبارت: «واعتر،
یانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲٤۹ و ۲۵۰	والما ادا كان تابنا تعدم العلم بالواقع فلامعنى جر
Т	جواب:
استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث نیست تا به اجرای استصح	محقق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از ا
، است چون قاعده قبح عقاب بلابیان موجود است و دیگر نیازی به اثبات تعبدی برائت از طریق استصح	نیاز باشد بلکه این اثر به مجرد عدم علم به حدوث حاصل
	نيست.

7	وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۰۸ و ۲۰۹ -۲ نمره	-٧
ل برانت ندارد و اگر هدف	ب: زیرا اگر هدف از اجرای برانت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور اسنحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل	جوار
	جرای برانت، اثبات عدم رجحان احتیاط است. این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حال _م راجح است.	
	چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره	- 11
رض مشمول ادله برائت	ب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعا	جواب
	د. <u>رکن چهارم</u> : جریان برانت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطمیه شود.	باشند
7 77	فرق بين «استصحاب» با قاعده «اليقين» و قاعده «المقتضى والمانع» را به همراه مثال تبيين نماييد. ص ٢٧٣ و ۴	i-9
لف استصحاب که شک	ب: قاعده یقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت میکند و حقیقة شک ناقض تکوینی یقین است برخار	جواب
عده المقتضى والمانع در	ای متیقن تعلق میگیرد. مثلاً به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قا:	ا به بقا
که أيا به طبيب مراجعه	فاعده یقین و شک به دو امر متغایر یعنی مقتضی و مانع تعلق می گیرد مثلا ماری زید را گزید که مقتضی مرک است اما شک می کنیم	ا این ق
	یا خیر. ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زمانا فرق میکنند.	کرد یا
,	- در ضمن مثال «اصل مثبت» را تعریف نمایید. ص ۲۸۷ – ۱ نمره	- 11
م شرعی که مترتب بر	ه: استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر أثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حک	جواب
	محاسن زید است. بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید.	رويش
نمایید. ص ۳۰۲	. مرًاد از عبارت «انَ التنافي بين الحكمين تارة يكون بين الجعلين و اخرى بين المجعولين» به همراه مثال تبيين ا	-11
T	•	جواب
دارند در تنافی بین دو	في بين دو جعل تنافي بين دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر مستطيع و جعل حرمت حج بر مستطيع كه دو مدلول با هم تنافي	در تناف
, در دو حکم «ادا وجد	ل به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضــوع حکم دیگر را نفی یا اثبات میکند. مثال: دو مجمول	محنوا
1		
و در نتیجه حکم فعلی	عليتو ضأ للصلاة» و «لذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء ف
و در نتیجه حکم فعلی	لميتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء فا
و در نتیجه حکم فعلی	لميتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء ف
و در نتیجه حکم فعلی	لميتوضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء ف
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء ف
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	ا الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	ا الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند، زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	للتوضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند، زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد موضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	للتوضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد موضوع حكم اول منتفى و	الماء
و در نتیجه حکم فعلی	ليتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه آب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	ليتوضأ للصلاة» و «اذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه آب نداشته با شد موضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	لميتوضأ للملاة» و «اذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه آب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	ليتوضأ للصلاة» و «لاً لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد موضوع حكم اول منتفى و	الماء و
و در نتیجه حکم فعلی	ليتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه آب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول متفى و	الماء
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماه فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو ضأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماه فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو شأ للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه أب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و	الماء
و در نتیجه حکم فعلی	ليتو صاً للصلاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه آب ندا شته با شد موضوع حكم اول منتفى و	الماء

		(3)
المعالمين المعالم المعالم المعالم المعالمة المعا	امحانات ممرکز عمومی (سطح ۲)	Section 1
شربانم معنى ال فروساد فرورون	المحامات مفرکز موی (ح۲)	مان الله الله الله الله الله الله الله ال
1 0.5	نیسال اول ۱۵–۱۵	المراق (۱۹۵۱/۲۴
	پاده بنجری سال باده طفر ۲ سال	ني ١٢٩٥/١٠/١٥
فلسانام معني المرابعة المرورون		منن: أصول فقه ۴ كن، دروس في علمالاصول «تعلقه النامة - ابروار»
	مهر مدرت	مردد: از ابتدای اصول عملیه تا بایان کتاب اص ۲۲۸-۲۲۱)
شرقن: . امآن:	كوشكي درسور .	ير د يام د الم د الله الله الله الله الله الله الله ال
صلی است؟ ص ۲۳۸ 💮 🖒	»، شک در تکلیف است یا مکلفیه؟ محرای چه اد	۱- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث
	, , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	الف. مكلفبه - برانت 🗆
		ب. مكلفبه - اشتغال 🗖
		ج. تكليف – اشتغال 🗖
		د. تكليف - براثت 🗹
-10	چه آمری است؟ ص ۲٤٧	۲- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به
		الف. خروج برخي از افراد از محل ابتلاء
		ب. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطبیه ☑
		ج. جريان اصالة البرائة در همه اطراف 🗖
-/5	Yoy - Small 15th amble of all the state	د. حکومت قاعده عسر و حرج 🗖
(1.0)	عبه با تعام البحقات شار در است؛ قل ۱۰۰	۳- بنابر نظر شهید صدر (۱۰) کدام تعریف از «استصه
		الف. مرجعية الحالة السابقة ☑ ب الحكم ببقاء ما كان □
		ب. الحجم بيفة عا فان تــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
		ح. الشک فی البقاء □
./8	Υ:	٤- در كدام مورد «نقض يقين» تكويني است؟ ص٣٠
		الف. قاعده مقتضى و مانع \square
		ب. اصل استصحاب 🗆
		ج. اصل اشتغال □ د. قاعده يقين ☑
صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟	و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا	د. قاعده یقین کا ۵- مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست
.10		ص ۲۷۱
		الف. شک در تقدم و تأخر 🗹
		ب. شک در تدریجیات 🗖
		ج. مجهولي التاريخ 🗆
است؟ ص ۲۸۱	عبد الصلاة» و «كثير الشك ليس بشاك» كدام ا	د. توارد حالتين □ ٦- نسبت بين دو حكم «ان الشاك في الركعة الثانية ب
	-	الف. ورود □
		است. ورود ك
		ج. حكومت ك
uni la dan bala a men	9	د. تخصیص 🗆
شکال سیخ اعظم (ره) به ان را نبیس	اً إِلاَّ مَا أَتَاهَا» (الطلاق: ٧) بر برائت را نوشته و أَنْ صــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	٧- كيفيت استدلال به أيه شريفه «لا يُكَلُفُ اللهُ نَفْس
ال ال فقط الماندانواي که به او روزي داده		نمایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره
ابل مال فقط به المدردای - و رزرد کالهٔ که به امارسده است، مسؤول است.	ن مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در معا می مال فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در معا	حمله یون ۱۳۱۶ مصرح جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بی
دنام مال را در نظر بگیریم مفعول به، نسبت	ے که به او می رسد محلف است، پس صدر سبب به - از ۱۳۰۰ مالتر است و اگر م	جواب. شهایی موسول مصدی حرصه می رسید می با داداره ای می شود و در تکلیف به اندازه ای اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معن
معنا صحيح نيست، با توجه به سياق أيه قبل،	ای تکلیف تخاط سود ۱۳۵۳ مفتون مصن ۱۳۰۰ و ۲۰۰۰ ماه آن ماد که استورال لفظ واحد در بیش از یک ه	اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا ادر معن بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است
- · · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	. و از آن جایی ته استمال سه و ت در پیان بر د	
Wash 14		«ما» متعین در معنای مال است.

امتحانات متمركز عمومي: أصول فقه 1 كد: ٢٩٥١/٢٤

قرم ۱۹

راض الاول على أدلة البرائة الشرعية هو أن الادلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح أن	المراعد والاعت
ميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (١٠) از اشكال رأ	الفقيداء لاحظ د
	انفقیه تو دست ۲۳۲ ر
و مداد برانت وارد کردهاند این است که این ادله برانت در جایی جاری می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شهات	بنویسید. ص ۱۰۱۱
نه علم اجمالی است جون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیه نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در	جواب: اسکال اولی م
که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برانت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آنها	المحكمية شك معرون ا
بالي هستند باقي نمي ماند.	
ه الله على الله الله الله الله الله الله الله ال	ار اطراف این علم اجا
شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود	جواب سهيد صدر رزم
برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.	اعلم اجدای شان از ها
ل ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲٤٠ – ۱ نمره	۹- وجه عدم شمو
از اجرای برانت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برانت ندارد و اگر هدف از	حاب: زيرا اگ هدف
ر مرحان احتياط است. اين يقيني البطلان است چون احتياط على اي حال راجح است.	احراي وائت، اثبات عد
در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة	١٠ - دليل مشهور
ع داده، جواب شهید صدر ارد) بر آن را بیان کنید. ص ۲۶۲ - ۲ نمره	القطعية.» را توضيع
تقدند، جریان اصل برانت در تمام اطراف علم احمالی محال است. زیرا وجود علم (ولو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به	حواب: مشهور علما مع
ان در اطراف، برانت را جاری کرد. لازمهاش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعا و 📗	ان داريم. پس اگر يتوا
بجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری	قبیح است عقلاً. در نتب
نه ترخيص مخالف حكم عقل نيست بلكه موضوع أن را رفع ميكند، و أكر بگوييد حكم عقل معلق نيست ادعايي بدون دليل است،	از جانب مولی، در نتیج
ارت «و قد يفصّل بين أن يكون الشرط محتملا بلحاظ المتعلق و بين كونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جريان برانت	۱۱- تفصیل در عبا
را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (۱۰) به أن را بنویسید. ص ۲۱۹ و۲۵۰ – ۲ نمره	در شرط مشکوک
ق رقبه» متعلق، عتق و موضوع، رقبه است. گاهی شک تعلق می گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می گیرد به شرط ایمان در رقبه. در حالت	جواب: در خطاب «اعتو
ود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واحب [عتق] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زاند، لذا برانت از تکلیف زاند جاری می شود و در حالت دوم	اول برائت جاری میش
زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برایت جاری کرد. اشکال شهید: هر چند	برائت جاری نمی شود.
ان متعلق امر نیست. اما تقیید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه	مقید کردن رقبه به ایما
تقیید تحت اختیار مکلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقیید، نسبت به آن برائت جاری می شود. حیحة «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء» چرا برخی قائل شده اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده	است. و از آن جهت که
جواب از آن بنویسید. ص ۲۵۹ – ۲ نمره	اعدده ند کند، یک
رم افاده عموم: زیرا در «لا پنقض البقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر میکردد و 🏿	احماب: استدلال براي عد
ست. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه على يقين من وصونه» ظاهر در تعليل به امر عرفي است و عرف نيز يقين را به طبيعي يقين حمل مي كند.	ا تردد مانع انعقاد اطلاق ا
l1∞5	2 82 July : 33
ت «إنه في الشبهة الحكمية إذا كان الموضوع باقياً بكامل قيوده فلا يمكن طرو الشك في البقاء فلا بد من زوال بعضها	۱۳۱- با توجه به عباره
اشكال به «ركن ثالث استصحاب در شبهه حكميه» را تبيين كرده، پاسخ تفصيلي ارائه دهيد. ص ٢٦٢ - ٢ نمره	و معه تختل الوحدة»
	جواب:
اگر موضوع کاملاً باقی باشد بس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه	اشکال: در شبهات حکمیه
ن معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة	وحدت ندارد. جواب: وحدت
موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قبود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.	اتقییدیه او قیودی که مقوم
محکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (۱۰) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲٦۸ – ۲ نمره و میشود اگر این انگور بجوشد حرام میشود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز	۱۶- برای «استصحاب
نهان نجس می شود یا نه استصحاب می کنیم آن قضیه شرطیه را، دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و	
ست (رکن ثانی مختل است) و در مجمول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز	
سعه روس قامی شخص هسته و در هرخون خبر پیش به سورت تاریخ برای و روستان شخت و در سال سری پیری برا موضوع مقدرةالوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.	II.
توضیح همدره، وجود نیست پس بر سرمی مدارد و هست اب می سود. توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ – ۲ نمره	4
موحول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات میکند. زیرا	
مبعول است به این صوحه تعلیف دو حجم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا	
موضوع هما قبل دو مبعول در دو حجم هدا وجد هما تعنوف مساوه و هذا هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد.	
افی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۰/۰ نمره)	
دی بین در بدن سد ر در ۱۰ سی سی در سیان سد ری در زرود دی بین در عبول سد ر در سری	0,,0,0,

, in the state of
امتحانات ممركز عمومي (سطح ۲)
سين ٢٩٣/١٤ من ال المعلى ١٥- ١٦ من المعلى ١٥- ١٦ من المعلى ١٥- ١٥ من المعلى ١٥ من المعل
11.30/-5/1. 12.0
من اصول فقه ۴ من
كتب: دروس في علم الاصول اللحلقة الثانية – ابرواني المحالة المحالة الثانية – ابرواني المحالة المحالة المحالة المحالة المحالة المحالة الثانية – ابرواني المحالة المحال
س از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)
نام دنام مأنوادك: نام مناو
۱- شک در «وجوب روزه» به دلیل «شک در شروع رمضان»، شک در تکلیف است یا مکلفابه؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸
الف. تكليف − برائت ☑
اب. تكليف – اشتغال
ج. مكلفيه − برائت □
د. مكلفبه – اشتغال 🗆
۲- بنابر نظر شهید صدر (۱٫۰) کدام تعریف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲
الف. مرجعية الحالة السابقة ☑
ب, الحكم ببقاء ما كان □
ج. اليقين بالحدوث □
د. الشك في البقاء ا
۳- در موارد «علم اجمالی بین وجوب یا حرمت دفن مخالف» کدام یک از ارکان أربعه منجزیة علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۲۷
الف الركن الأول □ الف الركن الأول □
ب. الركن اثنانی □ ج. الركن اثنائت □
ایج الرکن الدایع ⊡ د. الرکن الدایع ⊡
٤- نام حالتي كه موضوع استصحاب مركب باشد و شك در تقدم يك جزء بر ديگرى داريم و البته به زمان تحقق هر دو جزء نيز جهل
داریم، چیست؟ ص ۲۷۳
الف. الاستصحاب التعليقي □
ب. الشك بين المحذورين 🗆
ج. مجهولی التاریخ _
د. توارد الحالتين 🗆
ه- نسبت دليل «لايجب الحج على المستطيع المدين» به دليل «يجب الحج على المستطيع» چيست؟ ص ٢٨٢
الف. ورود □ ب. تقييد 🗹
اب. نفید اطا ج. حکومت 🗖
ج. حومت التا د. تخصص 🗖
ان محصل کے اللہ علی در نظر کسانی که «دوران بین اقل و اکثر» را به «دوران بین متباینین» بر می گردانند، چیست؟ ص ۲۰۹
الف. تسعه مقيده و عشره مطلقه □
ب. تسعه مطلقه و عشره مقیده 🏻
ج. تسعه مطلقه و تسعه مقيّده ☑
د. تسعه مقیده و جزء عاشر 🗆
٧- دلالتَّ أَيهُ شُرِيفه «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلُ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلُّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (توبه: ١٥٥) بر برائت را تبيير
نمایید. ص ۲۲۱ – ۲ نمره
جواب: یا مراد از اضلال حتمی کردن گمراهی و منحرف بودن آنها است و یا مراد از اضلال نوعی عقاب است مانند پستی و طرد از رحمت الهی و در هر صور <i>،</i>
«اضلال» معلق گردیده است بر بیان حدودی که از سوی هر قوم [ما یتقون] باید رعایت شود و از آنجا که بیان به آنها اضافه شده است نه خداوند ظاهر در وصو
یان به آنها است در نتیجه بدون وصول بیان عقاب و ضلالی نیست و این معنای برائت است [نوشتن یک معنای اظلال کافی است].

 ۸- وجه تردید بین رفع و معارضه در عبارت قائلین به احتیاط: «انها معارضة بنصوص تدل علی وجوب الاحتیاط بنحو ترفع موضوع ادلة 	
البرائة، او تعارضها من دون رفع موضوعها» را به همراه مثال تبيين نماييد. ص ٢٣٢ و ٢٣٣ - ٢ نمره	
جواب: اگر دلیل برائت بر ثبوت برائت هنگام عدم بیان تکلیف واقعی یا بیان وجوب احتیاط دلالت کند در این صورت ادله احتیاط، رافع برائت هستند زیرا موضوع برائت	
،عدم بیان وجوب احتیاط است و ادله احتیاط بیان هستند و اگر دلیل برائت بر ثبوت برائت فقط هنگام عدم بیان تکلیف واقعی باشد در این صورت ادله احتیاط معارض	
ادله برائت میشوند.	,
۹ - سُه قول مُطرح در مقدار «منجُزيت علم اجمالي» را با ذكر يك مثال تبيين كرده، قول صحيح را با دليل معين كنيد. ص ٢٤٢ - ٢ نمره	
احواب:	
ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح	
است. اول: منجر نماز ظهر است فقط. [ولي به دليل عدم علم به واجب واقعي] ثاني: منجز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجز جامع بين ظهر و جمعه است	
نه بخصوص ظهر و نه خصوص جمعه. (۱/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی کند در نتیجه تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت	
نمی کند. (۱۰/۰ نمره)	
۱۰ - رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲٤٥ - ۲ نمره	
جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم	
اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه میشویم اشتباه کردهایم	
در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل میشود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه میشویم لیوان نجس لیوان سمت	
راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل میشود.	
۱۱ - قاعده «اليقين» را به همراه مثال، تبيين كرده و فرق أن با استصحاب را بنويسيد. ص ٢٥٣ و ٢٥٤ - ٢ نمره	
جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می پنداشتیم هست، وجود داشت (یقین،	
صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص	
در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به أن تعلق گرفته است، تعلق می گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب، شک در بقاء	
متيقن است بدون أنكه يقين سابق به لحاظ زمان سابق از بين برود.	
ابه عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقة ناقض درمت و به عبارت دقیق تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از	
التحقق أنجه ميخواهيم اثبات كنيم ولي قاعده يقين جنين نيست.]	
17- اشكال در عبارت «فان قيل: ان الاستصحاب و ان لم يكن جارياً حين الصلاة و لكنه بعد الفراغ منها يجرى لكون الشك فعلياً أنذاك و	
بجریانه یثبت بطلانها. قلنا:» را بر «عدم جریان استصحاب با شک تقدیری» تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۲۱ - ۲ نمره	
جواب: به عدم جریان استصحاب حدث در اثناء نماز هنگامی که شک تقدیری است (یعنی اگر ملتفت شود شک می کند) برخی اشکال کردهاند که اگر چه اثناء نماز به	
دلیل اینکه شک تقدیری است استصحاب جاری نمی شود اما بعد از نماز چون شک فعلی است یعنی ملتفتاً شک دارد، استصحاب حدث جاری می گردد و حکم به بطلان	
نماز می گردد. (۱/۵ نمره) پاسخ: اگر ظرف جریان قاعده فراغ و استصحاب یکی باشد، قاعده مقدّم می شود و حکم به صحت نماز داده می شود. (۱/۵ نمره) ۱۳- با توجه به عبارت «ان الامر التدریجی مجموعة حدوثات و الحدوث الاول و ان کان متیقن التحقق الا انه لا شک فی ارتفاعه و الثانی	
۱۳- با توجه به عبارت «ان الامر الدریجی مجموعه عنوات و ۱۳وی و ۱۸ تای سیس ۱۳ منات ۱۳ منات ۱۳ منات ۱۳ منات ۱۳ منات المحال بر جریان «استصحاب در تدریجیات» را تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۲۹ - ۲ نمره	١
یشک فی اصل تحققه» (سکال بر جریان «استساک و تاریخی از مجموعهای از حدوثات تشکیل شده است و حدوث اول اگر چه متیقن التحقق است ولی	
جواب: برخی به استصحاب در ندریجیات اسکال فرده اند نه افر ندریجی از مباسوت ای از مستحد است می نمی شود در نتیجه شکی نداریم که مرتفع شده است و حدوث ثانی شک در اصل تحققش داریم و یقین سابق ندارد پس رکن اول و دوم استصحاب با هم جمع نمی شود در نتیجه شکی نداریم که مرتفع شده است و حدوث ثانی شک در اصل تحققش داریم و یقین سابق ندارد پس رکن اول و دوم استصحاب با هم جمع نمی شود در نتیجه	\setminus
سخی نداریم که مرتفع شده است و حدوث نامی شده در حصول محدول بر در این می در از برای برای برای در می در در این می شود. ستصحاب جاری نیست. پاسخ: امر تدریجی نیز وحدت دارد که به سبب آن یک شیء واحد مستمر اعتبار می شود به نحوی که به جزء ثانی عنوان بقاء اطلاق می شود.	1,
حال یا این وحدت حقیقی است مانند حرکت آب از بالا به پایین و یا عرفی است مانند راه رفتن]	1
١٠- دلالت روايت شريف «سألته عن رجل اختلف عليه رجلان من اهل دينه في امر قال عليه السلام: يرجئه حتى يلقى من يخبره، فهو في	٤
بعة حتى يلقاه» بر «تخيير» در تعارض مستقر را تبيين كرده، نقد كنيد. ص ٢٨٦ - ٢ نمره	
اب: دلالت بر تخییر: قوله «فی سعة حتی بلقاه» دلالت می کند به اینکه شخص مخیر است به هر کدام از روایات عمل کند و این عبارت اخرای جعل حجیت برای	احد
بير است. نقد: وجيه است كه مقصود از سعة، عدم الزام مكلف به فحص و حركت فورى به سوى امام است، اما روايت متعرّض عمل تا زمان لقاء امام نشده است	اتخ
مقتضای اطلاق مقامی این است که به آنچه قبل از وصول دو خبر متعارض عمل می کرده، عمل کند.]	الله
- تقدم استصحاب بر برائت را بر اساس «حکومت» تبیین نمایید. ص ۲۸۷ - ۱ نمره	10
ب: به دلیل اینکه در موضوع براثت عدم علم به حرمت اخذ شده است و دلیل استصحاب دلالت می کند بر اینکه علم تعبدی به حرمت داریم [شک مسبوق به	ا حواب
را نازل منزله علم قرار داده است] در نتیجه مقدم بر برائت می شود.	•
3 2 321 11 70 35 65 65	<u></u>

رویان ۱ مان کری ۱۰ صبع کرد ۲۰ من پگی ۱۰ دقیق	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	
شاسيانام معنح ال نروب عدد نره بردون	ا سحا مات مفر کر موحی (سطح ۲) نیسال درم نصل ۲۵-۱۶	J. 12 100 J. 100
	بآبه پجر ورودل بیسن	1540/-1/18 :5t
شاسيانام معني وم نروره و مروت	مهر مدر سه	منن؛ اصول فقه ۴ کئب: دروس فی علم الاصول - ملته نابه «آنان ابروش»
		مردد: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۳۱)
شرمان: امان:	كد للمنجى: درب ملي:	نام ونام عانوان المهمرية
هلکة» چیست؟ ص ۲۳۶ در.	بت «الوقوف عند الشبهه خير من الاقتحام في الم	۱- بنابر نظر شهید صدر (ره) مراد از «شبهه» در روا
		الف. شبهات در علم اجمالي لــا
		ب. دعوتهای شبیه حق ☑
		ج. تكليف مشكوک □
		د. متشابهات قرآن 🗍 ۲۰۰۰ د. د گذشتنداد
، نشده است» کدامیک از ارکان علم	جود در فروسگاه بسیار بزرگ، یکی ذبح شرعی	 ۲- در هنگامی که میدانم «در بین گوشتهای مو اجمالی مختل میشود؟ ص ۲٤٧
-/3		الف. ركن اول 🗆
		اب. رکن دوم □
		ج. رکن سوم □
		د. رکن چهارم ⊡
	باشد، چگونه تعریف می شود؟ ص ۲۵۲	٣- بنابر نظر أية الله خويي (۵) اتَّرُ استصحاب، اماره
-/3	5 , 5 . 5	الف. مرجعية الحالة السابقة 🔲
		ب. الحكم ببقاء ما كان 🛘
		ج. اليقين بالحدوث ☑ —
	_ , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	د. الشک فی البقاء
تحب حكما شرعيا أو موضوعا لحكم	ان سرط جريان الاستصحاب أن يحون المستص	 ٤- لازمه بیان رکن چهارم استصحاب به صیغه « شرعی» چیست؟ ص ۲۹۳
1-1-1		الف. عدم جريان استصحاب عدم تكليف ☑
		ب. عدم جریان استصحاب حکم شرعی □
		ج. عدم جریان استصحاب تکلیف 🗆
		د. جریان استصحاب عدم تکلیف 🛘
ص ۲۲۱	ولى نمى داند صبح وضوء گرفته يا ظهر، چيست؟	┃٥- نام حالتي كه شخص ميداند وضوء گرفته است و
		الف. الشك في التقدم و التاخر ☑
		اب. تِبارض الاستصحابين □
		اج. مجھولی التاریخ □ د. توارد الحالتین □
ده اماره بر امار حسیم ایمار در اماره	اما. من ابنه «منه له علم» قبل داده باشد، مجه تق	اد تورد العصين ك ٦- اگر موضوع اصل را «عدم علم» بدانيم و شارع نيز
		الف. ورود 🗆
-/4		ب. تقیید 🗆
		ج. حكومت 🗹
		د. تخصیص 🗖
أن مطرح است؟ ص ٢٢٦ - ٢ نمره	هی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر	۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نم
(,		جواب:
ده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی]	ب دارد در حق او صدق می کند که بگوییم نهی به او نرسیا	استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف
وجود دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو لحاظ	(۱ نمره) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال و	یمنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک.
ت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)	ل در معنای ورود است که در یک معنا نمی تواند برائت ثاب	کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع . با توجه به اینکه دو احتما

p. "

- بر قرض قبول معارضه ادله احتیاط با ادله برانت در شبهات بدوی، دو دلیل برای ترجیح ادله برانت بنویسید. س ۲۳۲ - ۱/۵ نمره اب:	-^
دلیل برانت، قرآنی است و چون قطعی است مقدم می شود. ۲. دلیل برانت مختص به شبهات بدوی است (نه شبهات مقرون به علم اجمالی) در نتیجه اخص است و دلیل اخصیت مقدم می شود. (ترجیح سوم در کتاب)	۱.
دلیل اخصیت مقدم می شود. (ترجیح سوم در کتاب)	به
- با توجه به عبارت «ان الترخيص في جميع الاطراف ينافي الوجوب الواقعي المعلوم بالاجمال، لما تقدم من تضاد الاحكام التكليفية» چرا شهور قائل به استحاله جريان برانت در همه اطراف علم إحمال شدهانر؟ ننا شده المعلوم بالاجمال، لما تقدم من تضاد الاحكام التكليفية» چرا	٩
شهور قائل به استحاله جریان برانت در همه اطراف علم اجمالی شدهاند؟ نظر شهید صدر (۱۰) چیست؟ ص ۲۶۳ - ۲ نمره و بازی این منهور بر استحاله: ترخیص در تمام اطراف معناش این است که منافق این که که منافق این که منافق این که منافق این که	ما
واب: دلیل مشهور بر استحالة: ترخیص در تمام اطراف معنایش این است که مثلاً مولی چیزی را واجب کند و در همان وقت ترک آن را اجازه دهد یعنی دو حکم زام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحاله دارد، نظر شهید صدر (رد): این سخن در صورتی وجیه است که ترخیص واقعی شد [یعنی در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هر طرف علی احدال می کالفید است که ترخیص واقعی	الز
شد [یعنی در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در در داف دار ۱۱ ساید صدر (رد): این سخن در صورتی وجیه است که ترخیص واقعی	إباة
۱- حکم مسأله در «شک در شرطیة» چیست؟ با دلیل تبین زمان به مهم اجمالی، علم ماهنی است منافاتی با جمع شدن با حکم واقعی دیگر ندارد.	٠
بواب: مانند شک در جزئیت، حکمش برائت است زیرا مرجع شرط شرع می می در جزئیت، حکمش برائت است زیرا مرجع شرط شرع می در در در الله می در می در در در الله می در	ج
منایش این است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تقید که برانت جاری می شود. [مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر است نه متباینین] ۱۱- عبارت «کیف اعتبر البناء علی الشک نقضاً للیقین و الحال ان البقد: السارة مااها ما ۱۹ در ۱۸ می در	ام
11- عبارت «كيف اعتبر البناء على الشك نقضاً للبقين و الحال إن القرير المرات المرات المرات المرات المرات المارت المرات الم	١
الحدوث و هذا بالبقاء، فكيف اسند نقض البقين الى الشكي» 1 حدادة السابق بالطهارة لا يزول بالشك في الحدث بقاءا فان ذاك متعلق	ار
الحدوث و هذا بالبقاء، فكيف اسند نقض اليقين الى الشك» را درباره «روايت استصحاب» توضيح داده، جوابى براى أن بنويسيد. ص ٢٥٦ - ٢ نمره	
حواب: اُشکال شده است که حطور در روایت، شکی را ناقض رقب قار راد کی	
جواب: اشکال شده است که چطور در روایت، شک را ناقض یقین قلمداد کرده در صورتی که یقین سابق به طهارت با شک به حدث بقاءاً زائل نمی شود زیرا یقین به حدوث تعلق گرفته و شک به بقاء، بس حطور در روایت «لا تنقض الـقند رااه کرم در	
تکوینی یقین نیست زیرا متعلق یقین و شک متفاوت است اما با عنایت عرفی اسناد مذکور تصحیح می شود زیرا عرف زمان را الغاء نموده و دو متعلق را از حیث ذات یکی می داند، در نتیجه اسناد تصحیح می شود.	I
۱۲ مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره	
حواب گاهی اوقات شک فعلی است بعنی شخص وافعا شک دارد دار گاه و ارقاد و کی جور دارد در دارد در در در دارد در دارد دارد گاهی اوقاد و کی جور دارد در دارد در در دارد در دارد در دارد در در دارد در در دارد در د	
جواب: گاهی اوقات شک فعلی است یعنی شخص بالفعل شک دارد ولی گاهی اوقات شک تقدیری است یعنی اگر شخص التفات داشته باشد، شک می کند، مثلاً اگر مکلف یقین به حدث داشته و سپس در بفاء حدث شک کند و با همین شک نماز بخواند، نمازش باطل است زیرا شک او فعلی است و استدحاب جاری می شود اما اگر	
مَـُلُف يقين به حدث داشته باشد و غفلت كند و نماز بخواند و بعد از نماز شک كند كه أيا حين نماز حدث باقى بود با نه در اين حالت شک تقديرى است يعنى اگر	
ملتفت بود شک در بقاء حدث داشت، در این صورت استصحاب جاری نمی شود.	
۱۳ - حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره	
جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل	
مسجد گردیده به گونهای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استد. حاب	
کلی قسم سوم خواهد بود اکه انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک میباشد]. در این قبیل موارد، استدسحاب جاری نمیشود (۱ نمره) زیرا رکن سوم	
استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است	
[حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)	
۱٤- «تعارض» اصطلاحي را تعريف كرده، چه تفاوتي با «تزاحم» دارد؟ ص ۲۷۸ و ۲۷۹ - ۱/۵ نمره	
جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهای شان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض،	
تنافی بین دو جعل است ولی تزاحم تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۰/۰ نمره)	ш
10- پنج احتمال در «قاعده اولیه تعارض مستقر» را نوشته، یک احتمال را با دلیل رد کنید. ص ۲۸۳ و ۲۸۶ - ۲ نمره	
جواب: احتمال اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب میکند، احتمال دوم: شارع برای هر دو دلیل	
جعل حجیت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این احتمال نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور	
سابق پیش می آید. احتمال سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند. این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل و توجیهی بر حجیت یک طرف نداریم. احتمال	
چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی کند. در نتیجه فقط	
تساقط که احتمال پنجم است باقی میماند. (پنج احتمال ۱/۲۵ نمره و یک دلیل رد ۷۰/۰ نمره)	1

وهید: ترصري بامت کاري ۱۰ صبح کند ۲۰ مسترکش ۱۰ وقیقه	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	estoletario Contrario
شاسيانام معنج الل غروب ما منزو بردوت	اخصاصی نبمه حضوری	17981/79 10615 1798/1-/19 166
شاسيانام معنج الاس فرويا معن المرويات	میر نیوسال اول ۹۵–۹۲ به بنجیر ۵سانه	المرى: اصول فقه ۴ الصول حالمة الأصول حالمة النابه - آقاى ايرواس»
	لب مدرسه	از اندای اصول عملیه تا ابتدای بحث مقدار ما یثبت بالاستصد (ص TTA-TAF)
شريقن: ابآن:	and the state of t	epiinjerioje
10	عي، بنابر قاعده قبح بلابيان چيست؟ ص ٢٣٩ و ٢٤٠	۱- قاعده اولیه در صورت شک در تکلیف شر الف. برائت ⊡
		الف. برات ك ب. استصحاب 🏻
		ج. اشتغال عقلی □
ست» از حیث اصول کدام است؟ م ۲۵۶	گیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان اس	د. احتیاط شرعی 🛘 ۲- حکم در مسأله «شخصی شک دارد ,وزه ب
در یک تولی کنام رستان کل ۱۶	07 03-337 737 7	الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال 🗀
		ب. شک در مکلف به و مجرای برانت □ ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال □
		د. شک در تکلیف و مجرای برائت 🗹
اجمالی مختل است؟ ص ۲٦٥	ف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم	۳- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرهٔ الفہ رکن اول ☑
1/5		ب. رکن دوم 🗖
	and the second s	اج. رکن سوم ⊡ د. رکن چهارم □
بالصحیح» نسبت به وجوب سوره برای	نزء ولكن شككنا في عمومها للمريض أو اختصاصها	٤- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السورة م
-/2		مریض چه حکمی جاری می شود؟ ص ۲٦٨ و ۹ الف استصحاب □
		ب. احتياط 🗆
		ج. برائت ☑ د. توقف ☐
10	ص ۲۷۷	۵- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟
		الف. قاعده مقتضى و مانع □ ب. اصل استصحاب □
		ج. قاعده يقين ☑
247 - SI-2 SAM .	مايد: لا تنقض اليقين بالشك ابدأ) شامل حالت ظن	د. اصل اشتنال □ - آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فی
مي سود. چون در ۱۸۰۰		الف. نعم؛ بقرينة مورد الرواية و كون السائل ظاناً بالحدث.
		اب. نعم؛ بقرينة قوله «و لكن انقضه بيقين آخر». ☑ ج. لا؛ لتنويع الظن بالمعتبر و غير المعتبر. ☐
		د. لا؛ لان الشك لايشمل الظن وضعاً.
ونَ مَيتَةُ أَوْ دَمَا مَسْفُوحاً» (انعام: ١٤٥) بر	ما أوحِي إِلَى مُحَرِّماً عَلَى طاعِم يطعَمُهُ إِلاَّ أَنْ يَكُ	٧- نحوه استدلال به أيه شريفه «قُلْ لا أَجِدُ في
نمره حدمت را «عدم محدان» م «نافت دا ا » ا	اشکالی بر این استدلال وارد می کند؟ ص ۲٤۳ - ۲ یهود را به پیامبر می آموزد. خداوند نحوه اثبات برانت و عدم	برات سرعیه را توصیح داده، سهید صدر اره چه جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجه [و مباحثه] با
ت «برائت شرعره» است.	مرعی » کافی است در تامین و عدم عقاب و این همان اثبار	اهی صد و این نسان از آن است که «تیافتن دلیل آبر حکم ن
و براه براه کار در در اقت ما در در اقت	کم است؛ یعنی هر چه که بر بنامبر وحی نشود و جرمتش به	انسخال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود ک
ن رفتن نصوص باشد. ابه عبارت دیگر: مکلف ا ه است»؛ حا که شاید چکه جول شده و به ما	اس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بی س این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشد	مسي والله بس از فعمص و ياس بحويد: "چون من نيافتم په
و به ساید حمم جس سده و به س	اثبات یا نفی برانت شرعیه، بیگانه است.]	رسيده باشد. پس اين آيه – كه اثباتِ عدمِ جعل مىكند – با

 ۸- با توجه به عبارت «فقد یستدل له بوحدة السیاق لاسم الموصول» چگونه حدیث رفع مختص به شبهه موضوعیه می شود؟ پاسخ أن 	
حیست؟ ص ۲۶۲ – ۲ نمره	
جواب: برخي حديث رفع را مختص شبهات موضوعيه ميدانند زيرا «ما» در «ما اضطروا اليه» و فقرات ديگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتيجه در «ما لايعلمون»	
هم به قرینه سیاق مراد شبهات موضوعیه است. جواب: اسم موصول در تمام موارد به یک معنا است و آن به معنای شیء است و درنهایت میتوان گفت که مصادیق	
«ما» مختلف است و تفاوت در مصداق موجب از بین بردن وحدت سیاق نیست.	
٩- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرانة الشرعية هو أن الادلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح أن	
الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (١٠) از اشكال رأ	
بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ – ۲ نمره	
جواب: اشکال اولی که به ادله برانت وارد کردهاند این است که این ادله برانت در جایی جاری میشود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات	
حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیه نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در	
میان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچکدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آنها	
از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.	
جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، ان	
علم اجمالی منحلِّ می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود	
تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.	
-۱۰ رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان	
کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲٦٤ و ٢٦٧ - ٢ نمره	
جواب: رکن چهارم: اجرای برانت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در	
حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطبیه نمی شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل آین	
است که موجب مخالفت قطعیه می شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلائیاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود،	
می توان آن را اجرا نمود و با اجرای برانت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می شود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.]	
۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص	
۲۷۰ – ۲ نمره جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می شود	
جواب: در اعتق رقبه، سرط داهی سرط معنق است من دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برانت جاری می شود ولی در صورت دوم برانت زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برانت جاری می شود ولی در صورت دوم برانت	
آزیرا قیدیت دعا همکام عاق یعنی اهر به تعیید علق به دع پش صفحار میسیت به معنای امر به تقیید نست (چون قدرت شرط تکلیف است) در نتیجه اجاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نست (چون قدرت شرط تکلیف است) در نتیجه	
الوي حاقات ما هاي در الحديدية والرابين المائت جاري شود.	
24- اعتراف أية الله خوب درر إدر عبارت «أعترف السيد الأسناذ بأنه يلزم في التعريف أن يكون ناما على كل الأنجاهات و الحال أن	
التعريف الاستصحاب بالحكم ببقاء ما كان ليس كذلك و يناسب افتراض كون الاستصحاب اصلاً اذ على الامارية يلزم تعريفه باليقين	
الراحد مرث» بي تعريف استصحاب تبيين كرده، دو نقد شهيد صدر (ه) بو ايشان را بنويسيد. ص ۱۲۱ و ۱۲۱ - ۱ نفره	
ا حداري القائلة خور الرواية تعريف مشوور از استصحاب اشكال مي كنند كه ملائم با تمام مباني در استصحاب نيست زيرا برخي استصحاب را أصل عملي مي الشهر	
اریخی استمیجات را اماره مراین تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را آماره میزانند؛ یقین به حدوف است ریز، پیش ب	
ا حدوث اماره است برای نقاء سابق، نقد شهید صدر (۱۵): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یفین فقط طریق است ۱. هر چند ته	
دو مینا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مینا را شامل	1
څ. د انټر درگ د کتاب ا	l
سود. امد دیگر در صبی ۱۳- برخی اشکال کردهاند که صحیحة زرارة: «قلت له: الرجل پنام و هو علی وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان علیه الوضوء… قال: لا، حتی ۱۳- برخی اشکال کردهاند که صحیحة زرارة: «قلت له: الرجل پنام و هو علی وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان علیه الوضوء… قال: لا، حتی	
۱٫۰ بوطی مساق فرصفت یستیقن انه قد نام و لاینقض الیقین ابدأ بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آنها را به همراه یک نقد	16
نویسید. ص ۲۸۰ – ۲ نمره نویسید. ص ۲۸۰ – ۲ نمره	
مویسید. ص ۱۸۰۰ با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آنی الحصول است، در نتیجه بقائی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی بواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آنی الحصول است. در نتیجه بقائی ندارد	1
بوای است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می شود با المهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانج دردن به ناقض و شده است آم ظهور در «لاتنقض البقع	١,
مهرف است. بنیر سن می شود و شاهد أن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقیر منای طهارت نیز استعمال می شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقیر	٩
شک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می کند]	
۱ – ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۲ – ۱ نمره	١
اب: ۱. يقين به حدوث ۲. شک در بقاء ۳. وحدت قضية مشکوک و متيقن ٤. ترتب اثر بر بقاء حالت سابق	إجر
۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره ب: قیودی که عرفاً مقومٌ موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کس	٥
ب: قیودی که عرفا مقوم موضوع هستند. متلا اگر شارع فرموده باسد ساوم انطبیک کر این صورت کند که محدد، و کرم است ان از کا	جو
ه باشد ً تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم میکند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خا در منابع مصلح در در این منابع ماد یک مصحب اکراث کرد. در این صحبت عرف این محمد حدید را ادامه محمد قبل نم داند؛ جون «ضو	شد
ان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمیداند؛ چون «ضیر مراجع از مراجع از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمیداند؛	ميز
ی» را مقوم موضوع می داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاه	بودر
س» در این صورت، «تنیر» قید تنجس است؛ حال اگر أبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زا	
ِ دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قیود را حیثیات تعلیلیه مینامند.	شد ر

وفلند منامی ۱۰ سع (ند ۲۰ منیکی ۱۰ فلنه	b	0
شكسائم سمع عل نروره، نرورون	اسحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	2/200
	ئيسال اول 15–11 باد بحر دين باد بحر دين	۲۱۲۱/۱۳ بشر) ۲۱۲۱/۱۰/۱۹ برزی ۱۳۹۲/۱۰/۱۹
مدياكم منح الم فرورود فرورون		من اصول فقه ۲
	4, 11, 11	كائب مروس في علم الاصول «حلقه نابه - أقاى ابرواس» المراس المراس» المراس (١٢٥-١٢١٠)
مرقن: متن:	کاهی مدمن	ام و ام مافادگی: ام ماده
	•	۱- دیکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد
10	G) 05·))))), / - / - / - / - / - / - / - / - / -	الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال □
		ب. شک در مکلف به و مجرای برائت 🗖
		ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال 🗖
		د. شک در تکلیف و مجرای برائت 🗹
بمالی مختل است؟ ص ۲٦٥	علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم ا	۲- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از ع
.10		الف. وكن اول ☑
		ب. رکن دوم 🗖
		ج. رکن سوم 🗖
		د. رکن چهارم 🗆
.10	777	۳- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص
		الف. قاعده مقتضی و مانع □
		ب. اصل استصحاب □
		اج. قاعده يقين ☑ د. اصل اشتغال □
ست، چیست؟ ص ۲۹۷ 🔐	شده و هم وضوء گرفته، ولي نصرداند كدام مقدم ا	 ٤- نام حالتي كه شخص اجمالاً ميداند هم حادث
1.75		الف. الشك في التقدم و التاخر □
		ب. الشك بين المحذورين 🏻
		ج. مجهولي التاريخ 🗖
		د. توارد الحالتين 🗹
./۵	ناب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۹	٥- كدام گزينه طبق نظر مشهور، نسبت به استصح
		الف. هر دو جاری میشوند و تعارض میکنند.
		ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی 🗹
		ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری □ د. مسببی بر سببی حاکم است. □
717	. ا ننا حجت، حدا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ٢	د مسببی بر سببی خاص است. ت ۲- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره
	go tempera go vy ojany, tojo je j	الف، ورود 🗹
		اب. حکومت 🗖
		اج. تخصص 🗆
18%		د. تخصیص 🗆
نَ مَيتَةً أَوْ دَمَا مَسُفُوحاً» (انعام: ١٤٥) بر	أوحى إلَى مُحَرِّماً عَلى طاعم يطعَمُهُ إلاَّ أنْ يكُور	٧- نحوه استدلال به أيه شريفه «قُلْ لا أُجِدُ في ما أُ
۲ ۵٫	نالي بر اين استدلال وارد مي كند؟ ص ٢٤٣ - ٢ نم	ابرائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (٫۰) چه اشک
		جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجّه [و مباحثه] با یهود
		می کند و این نشان از آن است که «نیافتنِ دلیل [بر حکم شرعی
		شکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معناًی عدم وجود حکم ا <i>ه</i>
رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف	کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال ډارد به خاطر از بین	حرمت برایش تشریع نشده است. نمی توان این قضیه را قیاس
است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به	ن چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده ا	می تواند پس از فحص و یاس بگوید: «چون من نیافتم پس ای
4 -	ت یا نفی برائت شرعیهٔ، بیگانه است.]	رسيده باشد. پس اين أيه – كه اثباتِ عدمِ جعل مى كند – با اثبار

 ۸- عبارت «الإعتراض الاول على أدلة البرائة الشرعية هو أن الادلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح ان 	
الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن أجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (م) از اشكال را	
بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ – ۲ نمره	
جواب: اشکال اولی که به ادله براثت وارد کردهاند این است که این ادلّه براثت در جایی جاری می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات	
حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیه نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در	
میان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای آجرای براثت شرعی در هیچکدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آنها	
از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمیماند.	
جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن	
علم اجمالی منحل می شود به علم تقصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود	
تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمیماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.	
۹- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان کرده،	
دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۶۶ و ۲۹۷ – ۲ نمره	
جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در	
حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمیشود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این	
است که موجب مخالفت قطعیه میشود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلائیاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود،	
مى توان آن را اجرا نمود و با اجراى برانت در اطراف ديگر علم اجمالى از منجزيت ساقط مىشود. [يعنى موافقت قطعيه لازم نيست.]	
۱۰- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص	
٧٧٠ - ٢ نمره	
جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برانت جاری میشود	
ازیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برائت جاری می شود ولی در صورت دوم برائت	
ا جاری نمیشود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه از می در قدرت به کند و قدرت در اینکه است] در نتیجه از می در در اینکه در ا	
شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برائت جاری شود. ۱۱- اعتراض آیة الله خویی (۱۰ را در عبارت «اعترض السید الاستاذ بانه یلزم فی التعریف آن یکون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال آن	
التعريف الاستصحاب بالحكم ببقاء ما كان ليس كذلك و يناسب افتراض كون الاستصحاب اصلاً أذ على الامارية يلزم تعريفه باليقين	
المعرف استصحاب بيدن كرده، دو نقد شهيد صدر (۱۰) بر ايشان را بنويسيد. ص ۲۷۲ و ۲۲۸۳ – ۲ نبره	
جواب: أية الله خويي (ره) به تعريف مشهور از استصحاب اشكال مىكنند كه ملائم با تمام مبانى در استصحاب نيست زيرا برخى استصحاب را اصل عملى مىدانند و	
برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره میدانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به	
حدوث اماره است برای بقاء سابق. نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که	
دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل	
شود. [نقد دیگر در کتاب]	
۱۲- برخي اشكال كردهاند كه صحيحة زرارة: «قلت له: الرجل ينام و هو على وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان عليه الوضوء قال: لا، حتى	
يستيقن انه قد نام و لاينقض اليقين ابدأ بالشك» ناظر به قاعده مقتضى و مانع است نه استصحاب، دليل أنها را به همراه يك نقد	N
پنویسید. ص ۲۸۰ – ۲ نمره جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت. یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز أنی الحصول است، در نتیجه بقائی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی	N.
جواب. اشکان با توجه به اینک در روایت، پیش به وطور علی طرحه و رحود غیر می محصول است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است.	11
عنای طهارت نیز استعمال میشود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقین	11
لشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می کند]	11
۱۱ - مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره	
واب: قیودی که عرفاً مقوِّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی	NI.
ده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم میکند که ُوجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید اُز خان	11
زبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرا <mark>مش کردیم در این</mark> صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی تمیداند؛ چون «ضیف	M.
ن» را مقوّمِ موضوع میداند، این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند. قیودی که عرفاً مقوّم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده َ باشد «الماء المتغیر بالنجاس	ابود
جس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر أبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زای	- 11
و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قیود را حیثیات تعلیلیه مینامند.	u
- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۳۰۵ - ۲ نمره	18
ب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می کند گاهی آن ها را توس	جواد
عد. (١/٥ نمره) مانند الربا حرام (محكوم). لا ربا بين الوالد و الوالد (حاكم). يا حكومت «لا ضرر و لا ضرار في الاسلام» بر ادله احكام شرعيه مثل وجوب صوم و (٥/٠ نمره)	
- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۰۷ و ۳۰۸ - ۱ نمره	
ون اصل امل تساقط متعليفيان است مل اصل ثانيم الحرام مرجوات است ترتب حرافة سراكتان بخالفت ما كرابي	

وديد:	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	200 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1
شاسيانام مسنح الل غرورهدد غروبه حروت	شهربور سال تحميلي ٩٢–٩٢	ا کرایمان: ۲۹۳۳/۲۰
شاسيالم معني ووم فرويدد فرويرون	به چیم ۵ ساله بله علی ۲ ساله مهر مذو سه	ري: ١٣٩٢/٠۶/١ منن: اصول فقه ۴ منن: دروس في علم الاصول - حدد ثانيه «ايرواس»
		کاب: دروس فی علم الاصول - حدمه ثانیه «ایروای» رسو: از ابتدای اصول صلیه تا پایان تـ ب (ص ۲۱۳–۲۲۸)
شهرمآن: امآن: امآن	کد کلکی: درر طی:	نام و نام فانودی: نام مین
-/2	شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲٤۱	۱- به نظر شهید صدر (۱۰) قاعده آولیه و ثانویه در «
		الف. احتياط عقلى و برائت عقلى □ ب. براثت عقلى و برائت شرعي □
		ب. برانگ عقلی و برانگ شرعی ک ج. احتیاط عقلی و برانت شرعی 🗹
		ی است سرعی و برات سرعی و استاط عقلی □ د. برائت شرعی و احتیاط عقلی □
شود تا بتوان با آن، برانت در تکالیف	موضوع عنهم»، كلمه «العباد» بايد حكونه لحاظ	٢- در روايت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو
·/A	, , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	مشکوک را اثبات نمود؟ ص ۲٤٨
		الف. عموم بدلي 🛘
		ب. إطلاق أحوالي 🗆
		ج. عموم مجموعی □
	The second secon	د. عموم استغراقی 🗹
	از محل ابتلاء» و «سبهه غیر محصوره» به ترتیب	۲- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی می درد مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی
(4)	The state of the s	الفد ركن چهارم – ركن سوم 🗔
		اب. رکن سوم – رکی چهارم 🗹
		ج. رکن سوم – رکن دوم □
		د. رکن دوم - رکن سوم 🗆
-/2	777	ا الله على الله على الله الله الله الله الله الله الله ال
· • • • • • • • • • • • • • • • • • • •		لف. قاعده مقنضی و مانع \square ب. اصل استصحاب \square
		ب. اصل اشتغال □
		د. قاعده بقين 🗹
یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟	ن و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده	٥- مثال «يقين داريم أب كر سابق، ديگر كر نيسن
./۵		ص ۲۹۶
		الف. شک در تقدم و تاخر ☑
		ب. موضوعات مرکب □ محمد السائل ت
		ج. مجهولی التاریخ □ د. توارد حالتین □
م است؟ ص ۳۰۰	ة يعيد الصلاة» و «كثير الشك ليس بشاك» كداه	الماك في الركعة الثانية الشاك في الركعة الثانية
		الف. تخصيص 🗆
*		ب. حكومت ☑
		ج. ورود 🗖
. أ. حمل حاسب عن الإنجاز عن الإنجاز ا	115.61 6 201 11	د تقیید 🗆
بر آن مطرح است: ص ۱۶۰ - ۱ سرد	هٔ نهی» بر «برانت» را تقریر درده، چه اسمای	۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه
 سیده است، سی عدم ورود نهی (عدم وصول نه	عاد دا د د چه اد جاه م کند که نگوینم نفی به آوان	اجواب: المرادل الاعمال على المرادل المراجع الكواد الأ
ا. وحود دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو لح	دلیف دارد در حق او صدق می صد به بحربیم یهی به حرار ۱۰ (۱۸ نیم/ اشکال در معنای «مامد» در روایت، دو احتما	استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تا ایمنی بخش از تکلیف مشکوک است حتی برائت از تکلیف مشکوآ
ن و بود درد ریز کی رای راز را درد. ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)	ت. (۱ نمره) اسخان در سندی خورود خر رویت خر حدال در معنای مرمد است که در یک معنا نمی تواند برائت	ایمنی بحش از تکلیف مشخوک است بعنی برانت از تکلیف مسخود کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از اساع . با توجه به اینکه دو ا
	عمال در سعای ورود عبد - حریا-	ا درد. ۱. وصول به محنف ۱. صدور از سال ۲۰ توجه به ایت در ۱۰

۸- بعضی با تمسک به استصحاب، برائت را در شبهات بدویه اثبات کردهاند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تبیین کنید. ص ۲٤۹ - ۱ نمره
جواب:
استصحاب اول: مى توان عدم تكليف قبل از شريعت را استصحاب نمود؛ زيرا يقيناً در ابتداى شريعت (به دلىل تدريجي بودن تشريع احكام) حكم مشكوك وجود نداشت
لذا مى توان عدم وجودش را همچنان استصحاب كرد. [وجه دوم: مى توان استصحاب كرد عدم تكليف قبل از بلوغ را.]
٩- با توجه به روایت «الامور ثلاثة: امر بین رشده فاتبعه و امر تبین غیّه فاجتنبه و امر اختلف فیه ورده الی الله عز و جلّ استدلال به
احتیاط در شبهه بدوی را تقریر کرده، یک نقد بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۶ – ۲ نمره
جواب: استدلال: شک در شبهات بدوی از قسم ثالث هستند و با توجه به روایت باید آنها را مرتکب نشده و به خداوند متعال رد کرد که عبارت اخرای احتیاط است. (۱ نمره)
انقد: اولاً: رد به خداوند ممکن است به معنای احتیاط نباشد بلکه به معنای رجوع به کتاب و سنت باشد. نانیاً: اگ قبول کنیم رد به خداوند یعنی احتیاط باز هم در
شبهات بدوی احتیاط لازم نمی آید. زیرا با توجه به ادله براثت شبهات بدوی از قسم اول بوده و از مواردی است که بین الرشد است. (۱ نمره)
۱۰- ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲٦٤ - ۲ نمره
جواب: ركن اول: وجود علم به جامع، ركن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرايت آن به اطراف، ركن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله براثت
باشند. رکن چهارم: جریان براثت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.
۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص
۲۷۰ – ۲ نمره
جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می شود
زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید در میگردد و برائت جاری میشود ولی در صورت دوم برائت
جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه
شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برائت جاری شود.
١٢- با توجه به صحيحة «قلت له الرجل ينام و هو على وضوء» چرا برخى قائل شدهاند كه عبارت «و لا ينقض اليقين بالشك» افاده
عموم نمی کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۸۰ و ۲۸۱ - ۲ نمره
جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیا در «لا ینعنی القین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و سائری عهد که به وضوء بر میگردد و
تردّد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمرد) جواب: عبارت « فانه على يثبن من وضونه» طاهر در تعليل به امر عرفي است و عرف نبز يقي را به طبيعي يقين حمل ميكند.
(۱ نمره)[جواب دیگر در کتاب]
17- با توجه به عبارت «انه في الشبهة الحكمية اذا كان الموضوع باقياً بكامل قيوده فلا يمكن طرو الشك في البقاء فلا بد من زوال بعضها
و معه تختل الوحدة» اشكال به «ركن ثالث استصحاب در شبهه حكميه» را تبيين كرده، پاسخ تفصيلي ارائه دهيد. ص ٢٨٤ و ٢٨٥ - ٢ نمره
اجواب:
اشكال: در شبهات حكميه اگر موضوع كاملاً باقى باشد پس شك در بقاء نيست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغيير كرده است ديگر قضيه متيقنه با قضيه مشكوكه
وحدت ندارد. حواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة
تقییدیه] و قیردی که مقوم موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.
ع۱- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (۱۵ بر عدم جریان أن را بنویسید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره
جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بجوشد حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز
باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس میشود یا نه استصحاب می کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرجوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و
جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی، جز
امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.
۱۵- «ورود» را به همراه مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۳۰۳ - ۲ نمره
جواب: در ورود تنافی بین دو مجمول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند.
مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با عم انافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم
اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. (۱ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است ۱۷ نسره)
است. (۱ نمره)

N	. J
مركزي ١٠ صبح فريد ٢٠ من يخول ١٠ دقيقه	امتحانات متمرکز عمومی (مطح ۲)
ناسيانم معنج ال نمره بعدد نمره به حروث	المحامات ممركز عمومی (طح ۲)
1 30	1971/7V 100/5
	۱۳۹۳/۱۰/۲۰ بهدومانه المول فقه ۴ طفرهانه طفرهانه
ناسيانام معني المرم المر	من المون علم الاصول
	هملته تانبه - آقای ایروانی»
	مرورو: از ابتدای اصول عملیه تاپایان کتاب (ص ۲۱۲-۱۳۸)
از المان:	نام و نام فافواد کی:
ص 7£٣ ها.	۱- چرا استدلال به آیه شریفه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (الاسراء ۱۰) بر برانت مخدوش است؟
100	الف. «حتى ببعث رسولا» تنايه از وصول است. ك
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	ب. «رسول» به عنوان مصداقی از بیان است. □
Acres 1	ج. «حتى نبعث رسولا» كنايه از صدور است. ☑
	د. «حتی نبعث رسولا» دو وجهی است. □
ی چه اصلی است؟ ص ۲۵۷	۲- شک در «وجوب نماز آیات» به دلیل شک در «وقوع خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرا
-/3	الف. تكليف - برائت ☑ ب. تكليف - اشتغال □
	ب. تحلیف - استعان الله الله الله الله الله الله الله ال
	ج. محلف به - برنف <u>-</u> د. مکلف به - اشتغال □
، كدام است؟ ص. ٢٦٠	ساست به سندن ساست من الله على الله على الله الله الله وجوب»، وجوب به واقع تعلق گرفته است الله الله الله الله الله الله الله الل
	النف. فقط در جامع موافقت قطعيه واجب است. 🔲
1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	اب. موافقت احتماليه واجب است. 🗋
	اًج. • خالفت احتماليه جايز است. 🗆
	د موافقت قطعيه واجب است. 🗹
ست؟ ص ۲٦٧ <u>۵/،</u>	٤ - در موارد «علم اجمالي بين محذورين» كدام يك از اركان أربعه منجزية علم اجمالي اختلال پيدا كرده ا
	∥الف. الركن الرابع ا⊻ا المان مرابع ا
,	اب. اتركن الثاني □ الـ ١١ > ١١٨١ م. □
1.102	ج. الركن الثالث □ د. الركن الأول □
نام] فإنه على يقين من وضوئه»	ه- به نظر شهید صدر (م) احتمال قوی تر برای جزاء جمله شرطیه در روایت «و إلا [لا یستیقن أنه قد
-/۵	کدام است؟ ص ۲۷۸
	الف. جمله خبريه «فإنه على يقين من وضوئه» □
	ب. جمله انشائیه «فإنه علی يقين من وضوئه» □
ļ.e	ج. و لا ينقض اليقين بالشك □ ☐
	د. فلايجب عليه الوضوء 🗹
-10	٦- نسبت بين دو حكم «يجب الحج على المستطيع» و «المدين ليس مستطيعاً» كدام است؟ ص ٣٠٥
	الف. تخصيص □ ب. حكومت ☑
	ب. حومت ا
,	ررو ـــــــــــــــــــــــــــــــــــ
و اعظم (٥) به أن را تبيين نماييد	٧- كيفيت استدلال به أيه شريفه «لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها» الملاق ٧ بر برانت را نوشته و اشكال شيخ
7	ص ۲٤۲ – ۲ نمره
ل فقط به اندازهای که به او روزی داده	جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل ما
، او رسیده است، مسؤل است. اعتراض	می شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهی که به او می رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به
ظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و ا	شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نا
با توجه به سیاق ایه قبل، «ما» معین	مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست،
	در معنای مال است.

امتحانات متمركز عمومي: اصول فقه ٤ كد: ٢٩٣١/٢٧

	۸- شهید صدر (۱۰) رفع در حدیث «رفع ما لایعلمون» را رفع ظاهری میداند، زیرا محال است قید «علم به حکم» در موضوع حکم اخذ
	شود، چه اشكالی به دليل ايشان مطرح نمودهاند و جواب شهيد صدر (۱۰) از أن چيست؟ ص ٢٤٥ - ٢ نمره انچه مرفوع است همان مجهول جواب: اشكال: امكان دارد اخذ قيد علم به حكم در موضوع مجمول. (۱۰/۰ نمره) جواب شهيد (۱۰): ظاهر حديث رفع اين است كه آنچه مرفوع است. لذا ظاهر حديث با
	المواجد السحال: امحان دارد احد فيد علم به حكم در موضوع مجمول. (١٥٠ نمره) جواب شهيد (ره): ظاهر حديث رفع اين السعالة الله الله الله الله علم به حكم در موضوع مجمول. (١٥٠ نمره) جواب شهيد (ره): ظاهر حديث با
	است. درخالی که بنابر احد علم به جعل در موضوع مجعول، مرفوع غیر از مجهول است. زیرا مرفوع، مجعول است: درخالی که مجهول جس
	ا است ملت له خوا در موصوع محمد ادا ۱/۵۱ (۱/۵ در م
	٩- درباره شرطيت فحص در برانت گفته شده است: «إن بعض ادلة البرائة له اطلاق لحالة ماقبل الفحص كما في حديث الرفع م
	إصدر (ره) در جواب مي فرماند: «لاند من فع البدعن هذا الإطلاق لامور»، دو امر از اين امور را بنويسيد. ص ١٥٥ - ١٠٨٠
	الحواب: ١. مكلف علم إحمال داد كه نسبت به برخي وقائع تكليف دادر إذا براي ابنكه بتواند برائت جاري كند بايد حستجو كند تا به أن مقدار كه أجمالا برايس معتوم ا
	∥بوده است دست بیدا کند و علم احمالیث منجل شود. ۲. آنچه دلالت میکند بر وجوب تعلم – مثل اینکه در قیامت از انسان پرسیده میشود چرا عمل صرحت ∥
	∥ميكويد نميدانستج. به له مرگويند چل ياد نگ فتر؟ – اطلاق دليل بالت را تقيد مرزند به مهارد بعد از فحص و ثابت ميكند كه شک بلافحص و يعطري
	ا شرعي محسوب نم شود. ٣. برخي ادله برائت مثل هما كنا معذب حتى نبعث رسولا» دلالت مي كند بر اينكه غايت برائت بعث رسول است، و از انجابي له سبت
	رسول» کنایه از بیانی است که در معرض وصول باشد نه اینکه وصولش به فعلیت رسیده باشد، برائت مشروط است به اینکه بیان در معرض وصول نباشد، لذا فحص
	قبل از بوائت واحب است تا مدخت مديا و احد شود
	قبل از برانت واجب است تا معرضيت وصول منتفى شود. 1- دليل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة
	القوام تر سارت «دهب المسهور إلى السحالة جريان البراءة في الل اطراف اللهم المجلسي، علم الأراف
	القطعية.» را توضيح داده، جواب شهيد صدر (م) بر أن را بيان كنيد. ص ٢٦١ و ٢٦٢ - ٢ نمره
	جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به
	ان داریج، پس اگر بتمان در اطراف، برانت را جاری کردر لازمهاش این است که بتمانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت خرم است سرم از
	قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترحیص مستری
	الزجانب مولي در نتيجه ترخوص وخالف حك وقل ناست راكه موضوع أن رارفو مركند، وأك يكوييد حكم عقل معلق نيست ادعايي بدون دليل است.
tole	الدور تفر المراس تربي المراس ا
فهجار	الدر شرط مشکوکی اور ضمن مثال تربین نموده، اشکال شهید صدر روزیه آن را پنویسید. ص ۲۷۰ – ۲ نمره
dei	الحواب؛ في خطاب «اعتقارة منه الله عليه عليه الله عليه الله عليه عليه الله عليه الله عليه الله عليه الله عليه ا
300	الول برائت جاری د. شود زیرا مرحو شکو به شکو د تقید واحت اعتقال به دعا است، بعنی شک در تکلیف زائد، لله برانت از تکلیف زائد فردی می از در
	اول برانت جاری می سود. زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب ناست برانت جاری کرد. اشکال شهید: هر چند برانت جاری نمی شود. زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب ناست در افتات کرد. وقد بودن عتق به ایمان رقبه
	برانت جاری سی شود. زیرا رفیه مومن معلق وجوب بیست. پس شک در نقید رفیه به ایمان شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست. ادا تقیید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه میشود.
	مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست. آن نفید عتی به ایمان رقبه منعق آن است پس هنگام شک در وجوب بن تقیید، نسبت به آن برایت جاری می شود. است راز آن جهت که تقیید تحت اختیار م نلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب بن تقیید، نسبت به آن برایت جاری می شود.
	المنت والراب جهت ند هييد نحت احبير ما عند المنت و نعني وجوب به ان معنون است پس منتدم عند الرجوب عن المنت الم
	۱۳- اگر رکن اول استصحاب عبارت از «یقین به حدوث» باشد، اشکال شده در مواردی که اماره بر حالت سابقه قائم شده است نباید
	بر برورس بول مستحد ب برد در حالی که شکی در استصحاب آن نیست، دو جوابی که از این اشکال داده شده است را بیان نمایید.
	ص ۲۸۲ – ۲ نمره
	حل ۱۳۰۰ به صرف جواب: جواب اول از محقق نایینی: از آن جهت که قطع، جزء موضوع استصحاب است، قطع در آن موضوعی است و بر اساس اینکه اماره قائم مقام قطع موضوعی جواب: جواب اول از محقق نایینی: از آن جهت که قطع، جزء موضوع استصحاب است، قطع در آن موضوعی است و بر اساس اینکه اماره قائم مقام قطع موضوعی
	است، م_تواند قائم مقام قطع موضوعي واقع در موضوع استصحاب قرار بكيرد. جواب دوم: برخي منكر ركنيت يقين براي استصحاب سدهند و استطهار كردماند. يعيي
	که در لسان دلیل آخذ شده است، به عنوان اینکه مشیر به حدوث است آخذ شده است و چون اماره حدوث را ثابت می کند، پس استصحاب جاری می شود.
	۱۳- در ضمن مثال استصحاب سببی و مسببی را تعریف نمایید. ص ۲۹۸ - ۲ نمره
	جواب: هنگام شک در طهارت آب، از آن جهت که طهارت آب موضوع جواز شرب است، هنگام شک در جواز شرب آب، استصحاب طهارت آب جاری میشود و جواز
	ا شب که از آن است را ثابت میکند. به استصحاب جاری در طهارت آب، استصحاب سببی گفته میشود. زیرا مانند سببی است برای حکم شرعی جواز سرب. حال
	اگر به خود حکم جواز شرب توجه کنیم، قبلاً متیقن الحدوث بوده و الان مشکوکالبقا است، لذا حالت سابقه آن یعنی جواز شرب را استصحاب می کنیم. به استصحاب
	جاری در جواز شرب اصل مسببی گفته میشود، زیرا جواز شرب مانند مسبب است برای طهارت آب،
	۱٤- «ورود» را با مثالي توضيح داده و فرق اصلي آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنويسيد. ص ٣٠٣ - ٢ نمره
	جوات: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند. زیرا
	مهلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضاً للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا
	مرا المراق ا مراق المراق الم
1	هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. در این میکند به معرفی میکند و از این معرفی از این میکند به میکند و میکند و میکند و میکند این میکند و میکند و م
	(۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱/۵ نمره)
	۱۵- یک وجه برای تقدیم استصحاب در تعارض بین «برائت و استصحاب» را نوشته، توضیح دهید. ص ۳۱۱ - ۱ نمره
	جواب: ۱. دلیل استصحاب حاکم بر دلیل برانت است. چون دلیل برانت در موضوعش عدم علم أخذ شده ولی دلیل استصحاب لسان آن إبقای يقين است يعنی با وجود
	ستصحاب گویا شکی نیست لذا موضوع برائت ملغی میشود. ۲. دلیل استصحاب عرفاً أظهر از دلیل برائت است در عمومیّت و شمول (نسبت به محلّ اجتماع هر دو
- 11	که حالت شک بدوی مسبوق به یقین باشد) چون در بعضی روایات استصحاب فرموده: لاینقض الیقین بالشک أبداً، و این تأیید آن را أقوی دلالة از دلیل برائت قرار
1	ىدهد. [يک وجه کافی است.]

49

(25)	
امحانات ممركز عمومي (سطح ۲) معانات ممركز عمومي (سطح ۲)	
امحانات ممراز عمومی (طح۲)	
	i
شهودود سال تعصیلی ۱۳۹۳/۲۰ مستح اول نمود صدد نمود روزت نیخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۵	41
and Walland	-!!
	-
المناه الله الله الله الله الله الله الله ا	1
ر ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۱۱-۱۲۱۳)	
نم و نام مادون کی:	
المستقبل الم	
- چرا شهید صدر (ره) مقایسه خداوند متعال با مولای عرفی برای اثبات برانت شرعیه را صحیح نمیداند؟ ص ۲۱۷	
ب. عقلاً عنى توانند بر خداوند تكليف كنند.	اب
ه حقّ العاامة براي خداوند نامحدود است. □	-
حق الطاعة برأى خداوند ذاتى است. 🗹	
الله والمناعة براي حدود داري است. بن الله الله الله الله الله الله الله الل	
٢- بنابو نظر شهيد صدر (ره) مراد از «شبهه» در روايت «الوقوف عند الشبهه خير من الاقتحام في الهلكة» چيست؟ ص ٢٣٥ هار	
	- 3
يُّه. دِعوت هاي شبيه حق 🗹	
چ. شيهات در علم اجمالي 🗆	-11
د.عَتَدْابِهَا نَا قُرْانَ 🗖	1
آ- برخی به یکی از ارکان استصحاب اشکال کردهاند که رکنیت آن مخصوص شبهات موضوعیه است و در شبهات حکمیه قابل تصور	
ليست المنجور أيسان قدام رفن السناد من ١٩٧٩	
الها: اول 🗇	1)
يا. دوم 🗆	
ज. म्पूर्व [४]	I
د چهارم 🖸	
٤- أُكَّر فرض كنيم مطهريت أب مترقب بر وصف اجتماع «طهارت أب» و «كريت أب» باشد و طهارت يقيني است ولى الان در كريت أب	16
که قبلاک ترده شک کردار الله در در در الاقات است می الاقات است و الاوران بیشی است وی ادار در در در ا	
که قبلا کر بوده، شک کردهایم، آیا آب در صورت ملاقات با متنجس مطهر است؟ چرا؟ ص ۲۹۲	
الفُن حير عدم حجيت اصل مثبت 🗹	
تها بله - براث در شبهه موضوعیه 🗆	11 -1 -
ي بله −استيحاب موضوع مركب □	
دا خُيرا ﴿ اشْتَعَالَ دَمه به دليل علم اجمالي □ ١	
المراكب كه شخص احمالاً مي داند هم حادث شده و هم وضوء كرفته، ولي نمي داند كدام مقدم است؛ حبست؟ ص ٢٩٦	1
الفيد أشك في التقدم و التاخر [
ب التبك بين المحذورين □	11
	11
ج مجهولي التاريخ □	1
د توارد الحالثين 🗹	11
آ- آگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۳۱۹ و ۳۲۰	
لغه. ورود ا⊻	1
جة حكومة □	
ج. تخصص □	11
ة. تخفيص □	-11
	М
٧- با توجه به عبارت«لا يتم الاستدلال بحديث (كل شيء مطلق حتى يرد فيه نهي) اذ لم يعلم أن الملحوظ فيه الوفود النهي على المكلف	
لمساوق لوصوله اليه، بل لعل الملحوظ وفوده على الشيء نفسه، كما يناسبه قوله ع: (يرد فيه نهي)» استدلال بر برائت و اشكال شهيد	- 1
عدد ارت را تبيين نمائيد. ص ٢٢٣ - ٢ نمره	2
نرائد استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق میکند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی	>
ه المراق	
یری را در درون خود دارد ولی در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا میتوان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. رسیدن نهی به مکلف که هم معنای	
سول به مکلف است. ۲. رسیدن نهی به خود منهی عنه باشد. یعنی از مولا تکلیف صادر شود که البته با «یرد فیه نهی» مناسب است. با توجه به اینکه دو احتمال در	14
منای ورود است که در یک معنا نمی تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)	0
	-

امتحانات متمركز عمومي: اصول قفه ٤ كد: ٢٩٢٢/٢٠

The second of th
۸- سه امری که موجب می شود از اطلاق دلیل برائت نسبت به موارد «عدم فحص» رفع ید شود را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲٤۰ - ۱/۰ نمره
1 1/4
اولا: بعضی از ادله براثت، تکلیف مشکوک در معرض وصول (یعنی اگر مکلف فحص کند به آن میرسد.) را تامین نمی کند و شامل مواود عدم فحص نمی شود مانند
التا التا التا التا التا التا التا التا
۹- دلیل وجوب موافقت قطعیه در «علم اجمالی» را با توجه به جریان اصول ترخیصی تبیین نمائید. ص ۲٤۷ و ۲۵۰ و ۲۵۰ - ۲ نمره
اما توجه به آینکه نمی توان در هر دو طرف علم اجمالی برائت جاری نمود زیرا منجر به مخالفت قطیه می شود (عقلائیا) پس اصول تعارض و تساقط می کنند و از اطرفی فقط در یک طرف خاص نیز نمی تمانی او تر مامی کرد. از این می مامی کنند و از این می کنند و این می کند و این می کنند و این می کند و این می کنند و این می کنن
ال المنظم
ال حسيب و المتعلق مرافق المنطق في المتعلق في المتعلق ا
الله الأن الأن الأن الله على الجمالي» را يه همواه مثال كه عدم أن كن ممدر سقوط تزيد: علم إحمال كشته را بيان ا
إ مراه المنظم ال
ا حوات رکن جهارم: اجرای برانت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه در خارج امکان داشته باشد مثلا در حالت دوران امر
این محدورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب
سخانت تعليه مي شود كه با تكليف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلا يا عقلائيا) پس وقتى اجراي برائت در اطراف موجب مخالفت قطعيه نشود، مي توان أن را اجرا
أنموذ والم اجرأي برائت در اطراف ديگر علم اجمالي از منجزيت ساقط ميشود. [يعني موافقت قطعيه لازم نيست.]
را - برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص
جواب در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری میشود
از برا قینیت بعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قبدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برائت ا
ا جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه
اً شک در قیدت به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برانت جاری شود. است بر نشد به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برانت جاری شود.
۱۲- با ترجه به صحیحه زرارد: « و آلًا فائد علی یقین من وضونه، و لا ینقض الیقین أبدأ بالشک» مراد از «اسناد نقض یقین به شک»
ارا تبيين نمائيد. ص ۲۷۰ - ۱/۵ نمره
ا من المنافع ا
ا مارث مور ربوای یقین سابق را نقض نمی کند زیرا یقین متعلق به حدوث است و شک متعلق به بقاء است به همین دلیل اسناد نقض به شک عرفی است به این متعلق دارند و می تواند شک
المرت قردان را لحاظ نمی کنیم یعنی حدوث و بقاء را جدا نمی کنیم و یک امر واحد در نظر می گیریم با این لحاظ شک و یقین یک متعلق دارند و می تواند شک
الفقر بهن باشد. ١٣- اشكال در عبارت «أن اللام في قوله ع): (لا ينقض اليقين بالشك)كما يمكن أن يكون للجنس يحتمل أن يكون للعهد فلا يكون ١٣- اشكال در عبارت «أن اللام في قوله ع): (لا ينقض اليقين بالشك)كما يمكن أن يكون للجنس يحتمل أن يكون للعهد فلا يكون
المجملة اعادة تغير مورد الشك في انتقاض الوضوء» را تبيين كرده، يك جواب شهيد صدر (ره) بر اشكال را بنويسيد. ص ٢٧٤ - ٢ نمره
المجملة اعتدق تغير مورد السحافي المفاض الوطوء" را تغيين فرقة يا المجملة
حواست . برخی اشکال کردهاند که روایت فقط استصحاب در باب وضوء را اثبات می کند و عمومیت ندارد. زیرا «ال» در الیقین همانطور که ممکن است برای جنس باشد ممکن برخی اشکال کردهاند که روایت فقط استصحاب در باب وضوء را اثبات می کند و عمومیت ندارد. زیرا «ال
برخی شکال گردهاند که روایت قفط استصحاب در باب وصوء را بیت می سه و سویت سرمریز کی کرد یکی در مقام تعلیل است و ا است برای خود یعنی یقین به وضوء باشد در نتیجه عبارت اجمال دارد و اطلاق ندارد. جواب: با توجه به اینکه عبارت «لاتنقض الیقین بالشک» در مقام تعلیل است و است برای خود یعنی یقین با ترکیات و فراید و است کرد ترکیات و فراید کرد.
است برای خهد یعنی یقین به وضوء باسد در سیجه عبرت بجمان فرد و تصدی سرت برای خود به اینکه از مرتکزات عرفی است و از مرتکزات عرفی بودت اقتضاء دارد تملیل ظهور دارد به اینکه از موارد مناسبات حکم و موضوع است یعنی تملیل «لا ینقض الیقین بالشک» از مرتکزات عرفی است و از مرتکزات عرفی بودت اقتضاء دارد
تعلیل ظهیر دارد به اینکه از موارد مناسبات حجم و موضوع است یعنی صین به یعنی به در کتاب ا
که یقین و شک را حمل کنیم بر طبیعی یقین و شکه نه یقین و شک در باب وضوء [جواب دیگر در کتاب] که یقین و شک را حمل کنیم بر طبیعی یقین و شکه نه یقین و شک در باب وضوء [جواب دیگر در کتاب]
۱۶- استصحاب «حکم معلق» را به همراه مثالی توضیح دهید. ص ۲۸۸ - ۲ نمره ۱۶- استصحاب «حکم معلق» را به همراه مثالی توضیح دهید. ص ۲۸۸ - ۲ نمره
۱.۶ – استصحاب «حجم معنق» را به همراه ساعی و حتی - ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت ت
بواب: اگر شارع انجوز را در صورت عنیان خرام طرف بست و تا تا طرح بعنی آیا آن قضیه شرطیه که سابقاً بود (یعنی حرمت انگور در صورت غلیان)، اکنون بود، ما شک می کنیم که آیا این کشمش هم بعد از غلیان حرام میشود یا خیر؟ یعنی آیا آن قضیه شرطیه که سابقاً بود (یعنی حرام مرشود.
بود، ما شخه می تبیم که آی ایل کسیس مها جه از کیان را به ی و جریان استصحاب حکم معلق، کشمش نیز در صورت غلیان حرام میشود. ز وجود دارد؟ یعنی آیا کشمش در صورت غلیان حرام میشود، در صورت جریان استصحاب حکم معلق، کشمش نیز در صورت غلیان حرام میشود. ز وجود دارد؟ یعنی آیا کشمش در صورت غلیان حرام میشود، در صورت جریان است کشمی در این کشود. در به تساقط را به اختصار تسین کشد. ص ۲۱۰ و ۲۱۱ و
ر و دور درود اینی آیا تسمس در صورت صین طوم می در متعارضین» دلیل شهید صدر (۱۰) بر تساقط را به اختصار تبیین کنید. ص ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۲۱۱ و ۲۱ و ۲۱۱ و ۲۱۱ و ۲۱۱ و ۲۱۱ و ۲۱ و ۲ و ۲
۳۱ - ۲ ندره
اب اسرای اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می کند، افتراض دوم: شارع برای هر دو دلیل اب و در حجت هستند که محذور
المحمد - كريرة مصرما به عدم التنام به دليل ديگر، اين افتراض نيز غير معقول است زيرا در صورت عدم اسرام به عز دو دنين، هر دو حرف
و المنظم
اخی جهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، آبنات وجوب تحییری نمی تند. در تقییب
الساقط که افتراض بنجم است باقی می ماند. [برای چهار افتراض اول هر کدام ۰/۰ نمره]

, (4)		
مان المريد المسيح الله ١٠ المنافقة المن	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	শ্রীপ্রা <u>স্থ্</u> য
مناسانام مفتح اول نمرويدود نمرو وروف	نیرسال دوم ۱۲-۹۲	7977/TT 10013
	یاند پنجم ورودی بیسن	1898/-8/14
شاسيانام معني «م نرو عدد نرو بردن		رنن: اصول فقد ۴ کتب: دروس فی علم الاصول «الحلقة النائية»
] مهر مدرت	مردده: از اندای اصول عملیه تا بابال کتاب (ص ۲۲۱-۲۱۳)
نربگن: امآن:	كەلمىكى: درساندا:	نام و نام مانوادی: نام دن
معناء تكانف باشد، «ابتاء» معناء	أيه شريفه «لايكلف الله نفساً الأما أتاها» الله: به	۱- برای اثبات برائت شرعیه اگر «ما» موصوله در
اب ساق محق نسب المحتاد		, , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,
		الف. إعطاء 🗆
		ب. إيصال ☑
		ج. إصدار □
		د. إقدار 🗆
ت نمیشود.» پاسخ اصلی شهید صدر	احتياط هستند يا معارض، پس برائت شرعي اثباه	٢- با توجه به اشكال: «ادله برانت يا محكوم ادله
./۵		(ره) چیست؟ ص ۲۳۷
,		الف. ادله احتياط ناتمام است. ☑
		ب. ادله برائت مرجح قرآنی دارند. 🗆
		ر استصحاب عدم تكليف مرجع است. □
W. CH .161	Halling H. La Hilliam a fire	د ادله برائت مخصص ادله احتياط هستند.
م امکان چیست؛ ص ۲۶۸	ک سرعی در همه اطراف علم اجمالی» به لحاط عال	۳- نظر شبهید صدر (۱۰) پیرامون «جریان اصل برائد الف. عرفا و عقلاً استحاله دارد. □
		ب. عقلاً استحاله دارد. 🗆
		ج. عقلاً امكان دارد. 🗹
		د. عرفاً امكان دارد.
		٤- كدام مورد از اركان استصحاب نيست؟ ص ٢٧٦
-/0		الف. شک در بقاء 🗆
		ب. يقين به حدوث 🗆
		ج. شک در یقین سابق ☑
		د. وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه 🛘
./۵	ب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۸	٥- كدام گزينه طبق نظر مشهور، نسبت به استصحا
		الف. هر دو جاری میشوند و تعارض میکنند. 🗆
		ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی 🗹
',	3 -	ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری 🛘
	42	د. مسببی بر سببی حاکم است. 🗖
ب از چه نوعی است؟ ص ۳۱۸ و ۳۱۹	دیم «دلیل محرز قطعی بر استصحاب»، به ترتید	۳- تقدیم «دلیل برائت شرعی بر اشتغال عقلی» و تق
./۵		الف. حكومت – حكومت 🛘
		ب. ورود – حكومت 🛘
		ج. حکومت – ورود 🗖
		د. ورود – ورود 🗹

1
٧- با توجه به عبارت «أن التكليف إنما يكون محركا للعبد بوجوده العلمي لا بوجوده الواقعي، و عليه فلا مقتضى للتحرك مع عدم العلم. و من الواضح أن العقاب على عدم التحرك مع أنه لا وقت التحري
من الواضح أنّ العقاب على عدم التحرّك مع أنه لا مقتضى للتحرّك قبيح» استدلال محقق نائيني (ره) بر قبح عقاب بلابيان به همراه مثالي را تقريب نماييد و جواب شهيد صدر (ره) از آن را بنويسيد من ٢٦٦ - ٢٠٠
تقریب نمایید و جواب شهید صدر (۱۰) از آن را بنویسید. ص ۲۱۲ – ۲ نمره
الرب المسالم المركب وارد كه له إن عال راد عبد الم
پشت دیوار ایستاده باشد و شما علم به آن نداشته باشید، شما برای فرار تحریک می شوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید، شما برای فرار تحریک می شوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید پشت دیوار است، یا به فرار می گذارید.) بنابر این در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است است می است می مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است است می است می مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است است می است می مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است می است می مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است می است می مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است می است می مقتضای محرکت وجود نباید در قرم است می مقتضای محرکت و در نباید در قرم است می در سورت عدم علم به تکلیف و نباید در شما می می می می در نباید در قرم است می می در نباید در سورت عدم علم به تکلیف در نباید د
فرار می گذارید.) بنابر این در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکیت وجود ندارد و قبیح است مولی ما را بر مخالفت تکلیفی که اقتضای تحریک ندارد عقاب الا کالد.
الد كالد آ
اشکال: آنچه محرکیت دارد، این است که عبد میخواهد حق الطاعه مولی را رعایت کند و از عهده آن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این که هدفش صرفا امتثال تکلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حق الطاعه را ملاحظه کند که آیا شار تکالف می کرد. در
هدفس صرفا امتثال تکلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حق الطاعه را ملاحظه کنی کردا در از مجار می کرد و از این عهده است نه این که
الكليف غير معلوم هم اقتضاي تحريك إ دارد. اگي گيريد دارا مي الماري مي الماري
۸- تفریب استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الداک، سیار ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱
۸- تقریب استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکه» بر احتیاط را نوشته و رد شهید صدر (۱۰) بر آن را تبیین کنید. ص ۲۵۵ - ۲ نمره
المجواب: تقريب: روايت دلالت مي كند كه با ارتكاب شريه، در هلاكت واقد و من المناسبة ال
مؤمنی نداریم. لذا احتیاط واجب است.
رد: این تقریب متوقف بر این است که شبهه به معنای شک باشد در حال کرد از می
رد: این تقریب متوقف بر این است که شبهه به معنای شک باشد در حالی که در لغت به معنای مشابه و شبیه است، اگر به شکه شبهه گفته می شود به جهت این است که مشابهت منجر به شک می شود، لذا شبهه در روایت قابل حمل بر جنای است که در خاله در برد به این است که در خاله در به با در
که مشابهت منجر به شک می شود، لذا شبهه در روایت قابل حمل بر چیزی است که در ظاهر به حق شباهت دارد، ولی در حقیقت باطل است، [بنابر این روایت ما را از شعارها و گرایشهایی که ظاهری حق گونه دارد، بر حذر می دارد و این ربطی به وظیفه عملی مکلف در هنگام شک ندارد.]
٩- مراد از إنحلال علم اجمالي كبير به علم احمالي صغير الدخم وظيفه عملي مكلف در هنگام شك ندارد.
۹- مراد از إنحلال علم اجمالی کبیر به علم إجمالی صغیر را در ضمن مثالی توضیح داده و دو شرط لازم آن را بنویسید. ص ۲۰۶ س ۸ – ۲ انمره
جواب: اگر علم اجمالی په وجود دو مایع نحس در میان ده مایع نحس مرد دادی این این این این این این این این این ای
جواب: اگر علم اجمالی به وجود دو مایع نجس در میان ده مایع نجس وجود داشته باشد این علم اجمالی ده طرف خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع از ده تاست. حال اگر تحقیق شد و علم جدیدی پیدا شد به نجاسة دو مایع در ضور این نجیال کیا در مای در ضور این نجیال کیا در مای در ضور این نجیال کیا در مای در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در ضور این نجیال کیا در خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع در خواهد داشت و معلوم بالاجمال داد داشت و معلوم بالاجمال داد داد داد داد داد داد داد داد داد د
1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1
۱۰ - در حالات دوران واجب بین تعیین و تخییر، کدام یک از ارکان منجزیت علم اجمالی مختل است؟ وجه اختلال را بیان نمایید. ص ۲۹۳ - ۲ نمره
11 1 1
جواب: رکن سوم، یعنی هر دو طرف فی نفسه با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، مشمول دلیل برائت باشد.
وجه اختلال: در دوران واجب واحد بین تعیین و تخییر، یکی از عناوین با این که از حیث مفهوم با دیگری متباین است ولی از جهت صدق اوسع است و جامع به شمار
می زود. اصل برائت در این طرف که جامع به شمار می رود با قطع نظر از تمارض جریان اصل در اطراف، جاری نیست، زیرا یا مقصود از جریان اصل، تأمین نسبت به
ترک جامع است که منجر به مخالفت قطعیه می شود یا مقصود تأمین از ناحیه وجوب تخییری است که لغو است، زیرا مکلف می داند اگر جامع کالاً ترک کند ایمن از
عقاب نیست؛ لذا اصل در طرفی که از جهت صدق اوسع است جاری نیست.
11- با توجه به عبارت «و كما تختلف هذه القواعد في أركانها المقوّمة لها، كذلك في حيثيات الكشف النوعي المزعومة فيها»، فرق
استصحاب با قاعده مقتضی و مانع را از دو جهت ارکان و حیثیت کشف بیان نمایید. ص ۲٦٧ – ۲ نمره
جواب: از جهت ارکان: متعلق شک و یقین در قاعده مقتضی و مانع دو امری است که ذاتاً متباین هستند، یقین به مقتضی تعلق گرفته است و شک به مانع، ولی در
السصحاب، یقین و شک به امری تعلق کرفتهاند که داتا یک چیز است.
از جهت حیثیت کشف: حیثیت کشف در استصحاب بر این اساس است که غالباً آن چه حادث می شود باقی می ماند؛ ولی حیثیت کشف در قاعده مقتضی و مانع بر این
اساس است که عالبا مفتضیات نافد هستند و در معلول های خود مؤثرند.
۱۲ - مراد از «اصل مثبت» را به همراه مثالی بیان کرده، توضیح دهید چرا استصحاب نمی تواند مثبتات خود را إثبات کند؟ ص ۲۸٤ - ۲ نمره
جواب: - جواب:
استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر اثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش
محاسن زيد است، بواسطه اثبات رويش محاسن با استصحاب حيات زيد. (٠/٠ نمره)
یرا اگر مرادتان این است که حکم شرعی را مستقیماً بدون تعبد به رویش محاسن زید، با استصحاب حیات او اثبات کنید، غیر ممکن است، چون موضوع حکم شرعی
ویش محاسن است نه حیات زید، و مادامی که رویش محاسن تعبداً ثابت نشود حکم شرعی هم ثابت نمی شود و اگر مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا
ویش محاسن را اثبات کنید و به تبع حکم شرعی را اثبات کنید، خلاف ظاهر دلیل استصحاب است، چه این که مفاد دلیل استصحاب این است که مشکوکا لبقاء را
رو می در این است می دهد.)، و عرفا تنزیل منصرف است به توسعه در دایره آثاری که خود منزل جعل کرده است و شامل آثاری که تحت
ه کرد ، ی کرس می آدری سرد چی طرح می شدن و طرح سرین منصوب است به توسعه در دایره آناری که خود منزل جعل درده است و شامل آثاری که تحت ا
مل او نبوده نمی شود، لذا در مقام ما رویش محاسن از آن جهت که اثر تکوینی حیات است، از دایره مجمولات منزّل خارج است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. ۱/۱ نمره)
١٠٠ نمره)

۱۰۰۰ چرا در استصحاب کلی نوع سوم، با این که حدوث جامع یقینی و بقاء آن مشکوک است، استصحاب جاری نیست؟ ص ۲۹۱ – ۱ نمره خواب:

چون جامع یقینی ما در وجود فردی موجود شده بود که الآن یقین به ارتفاع آن فرد داریم و جامعی که مشکوک ما است، در وجود فردی موجود میشود که به آن فرد شک داریم. پس جامعی که حادث شد وجودی غیر از وجود جامعی که در حال حاضر مشکوک است دارد؛ لذا دو وجود منایر هستند که استصحاب در آن جاری نیست. ۱۶- سه قول مطرح در مقدار «منجزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معین کنید. ص۲٤٦ – ۲ نمره جواب:

ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجّز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح است اول: منجّز نماز ظهر است فقط. ثانی: منجّز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجّز جامع بین ظهر و جمعه است نه بخصوص ظهر و نه خصوص جمعه. (۱/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی کند در نتیجة تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت نمی کند. (۱/۵ نمره)

۱۵- گاهی متکلم برای تفسیر کلام خود، کلام دیگری ناظر به کلام اولش بیان میکند که به تعبیر شهید صدر (۱۰) «و النظر تارة یکون بلسان التصرف فی محمولها»، هر یک از این تصرفها را با مثال توضیح دهید. ص ۳۰۸ - ۲ نمره

جواب: مثال اول: متکلم اول می گوید: «الربا حرام» و بعداً می گوید: «لا ربا بین الوالد و ولده»، مدلول کلام دوم ناظر به مدلول کلام اول است به این شکل که در موضوع حرمت تصرف می کند، یعنی دایره موضوع حرمت که ربا است را ادعاء محدود می کند به غیر ربایی که بین والد و ولد است. به عبارت دیگر متکلم قبول دارد ربای بین والد و ولد ربا است ولی ادعا می کند که ربا بر آن منطبق نیست.

مثال دوم: متکلم میگوید: «لا ضرر فی الاسلام»، یعنی در اسلام حکمی که منجر به ضرر بشود وجود ندارد، مدلول این کلام ناظر به احکامی است که در شریعت ثابت است و حالتی که این احکام ضرری باشند را نفی میکند، یعنی محمول که همان احکام اولیه است را مقید میکند به حالت غیرضرری.

۱۳- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. ص ۲۹۰ جواب: حصول کلی در ضمن فرد مشکوک بین قصیر الوجود - که یقین به زوالش داریم - و طویل الوجود - که یقین به زوالش نداریم - مثلاً می دانیم که ساعتی . آقبل، انسان داخل مسجد شد؛ ولی نمیدانیم که آیا زید بود یا عمرو؛ از طرف دیگر اکنون زید را در خارج مسجد میبینیم، پس یقین داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فردش (یعنی زید) در مسجد وجود یافته بود هر دو (هم کلی و هم فرد) معدوم شدهاند ولی اگر کلی در ضمن فرد دیگرش (عصرو) در مسجد وجود یافته بود، بقای هر دو محتمل است. در این صورت، استصحاب کلی جاری میشود چون ارکان استصحاب – یعنی یقین به حدوث و شک در بقاء – تام است، ولی استصحاب هیچیک از دو فرد جاری نیست چون ارکان استصحاب تمام نیست – چرا که حدوث عمرو مشکوک است و زوال زید یقینی است. ۱٤- تفاوت «تعارض» و «تزاحم» را به همراه مثال بیان کنید. ص ۳۰۶ جواب: هنگامی که مدلول دو دلیل با هم تنافی داشته باشند و این تنافی، حاصلِ تضاد بین دو <u>جعل</u> باشد، این تنافی را <u>تعارض</u> گویند امّا اگر تنافی در مقام جعل نباشد اللكه در مقام امتثال باشد، این تنافی را تزاحم مینامند. تعارض مثل الربا حرام و لا ربا بین الوالد و ولده، تزاحم مثل تنافی «لا تغصب» و «انقذ الغریق» در مقام امتثال كه نجات غريق متوقف بر غصب است. 10- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۱۵ و ۳۱۵ جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.

رەپىن:		۱۱۵ مرکز در ست مادی طرح نه بران
التكري المصبح له ٢٠ من المرابع ١٠ دقيقه	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	مدن آمال مدین
مناسيانام معنج اول نمره بعدد نمره به حروت	((2)(3)	V4.1 m/ 4
	شهربور مال تحصیلی ۹۲ – ۹۱ باندمجه ۷ ساله	187/8/1.
	یابه منتم ۷ ـــاله	منن: اصول فقه ۴
مناسيانام معني «م فروبه صدد فروبه حروب		كتب: دروس في علم الاصول (الحلقة التأنية)
	مهر مدوسه	از ابندای درس ۴۱ تا پایان کتاب
	4/	
شرمان: امان:	(313)	
اتَّنهَا» (طلق: ٧) تكليف باشد، موصول از	در أيه شريفه («لا يُكْلِفُ آللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ :	۱- بنا بر نظر شیخ انصاری ﷺ اگر مراد از موصول کدام قسم مفعول است؟
./8	40	الف. مفعول له □
	*	اب. مفعول به 🗆
		ج. مفعول مطلق 🗹
		ً د. مفعول فیه □
ر الحرام منه بعينه فتدعه» به شيمات	ء فيه حلال و حرام فهو لک حلال حتى تعاف	۲) دلیل قائلین اختصاص حدیث شریف «کل شی
	7, 17	موضوعیه چیست؟
./8		الف. زيرا تقسيم به حلال و حرام، فعلى است. 🗆
^		ب. زیرا برائت در شبهات موضوعیه اجماعی است. 🗌
		ج. زيرا شناخت حرام غايت حليت لحاظ شده است.
		د. زیرا قدر متیقن، شبهات موضوعیه را شامل میشود.
ست» از حیث اصولی کدام <u>است؟</u>	با نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان ا	۳- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد ی
-/5		الف. شک در تکئیف و مجرای اشتغال 🔲
		اب. شک در مکلف به و مجرای برائت □
The state of the s		ه که در مکلف به و مجرای اشتغال □ د. شک در تکلیف و مجرای براثت □
	الألكان أربعه ومنات والماليان المتال	۱۰ سات در موارد «علم اجمالی بین محذورین» کدام یک ا
عوده است.	ار ار دی اربت سابریه علم اجسای احدال پیدا	الف. الركن الأول 🗆
		ب. الركن الثاني 🗆 .
		ج. الركن الثاليث 🗆
		د. الركن الرابع 🗹
مجرای کدام قاعده یا اصل است؟	بت فشك يوم الاحد في طهارته يوم السبتٍ»	٥- مثال «أذا كان على يقين من طهارة ثوب يوم الس
./۵		الف. اصل برائت 🔲
	•	ب. قاعده يقين 🗍
		ج. اصل استصحاب 🛘
		د. قاعده مقتضی و مانع 🗌
./۵	مدلول) در کدام یک از موارد زیر جریان دارد؟	٦- تعارض بين دو دليل شِرعى لفظى (تنافي بين دو
	-	الف. تنافى بين دو جعل باشد. 🛘
		اب. تنافی بین دو امتثال باشد. 🗆
		ج. تنافی بین دو مجعول باشد. 🛘
	•	د. تنافی بین ملاک دو حکم باشد. 🗆
لا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلائيا	المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب با	٧- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال
حوم نائینی ﷺ و جواب شهید صدر ﴿	على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مر	استقباح معاقبة الأمر في المجتمعات العقلائية مأموره
		بنویسید.
		and the second of the second o
		and the second s

دلال ایشان با جواب شهید صدر 🤲 از آ	اضطرو اليه و» قائل به اختصاص «رفع ما لا يعلمون» به شبهه موضوعيه شدهاند، است
	ابنويسيد.
یسید.	٩- چرا جریان حدیث رفع، در مورد استحباب که احتمال عقاب <u>ندارد</u> ، لغو است؟ دو دلیل بنو
,	۱۰- ارکان چهارگانه منجزیت علم اجمالی را نام ببرید.
	The second secon
7	۱۱- آیا علم اجمالی در دوران امر بین «تعیین و تخییر» منجّز است؟ توضیح دهید.
	and the second of the second o
	The second secon
ينقض البقين أبدأ بالشك» ناظر به قاء	١٢- چرا ممكن است ادعا شود كه صحيحه زراره « و الله فانه على يقين من وضوئه، و لا إ
	, , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,
T	
T	مَتَهَ عَلَى مَانعَ است نَهُ استصحاب؟ جواب شديد الله اين ادعا چيست؟
T	مَتِفَ عِيمَ مانع است نه استصحاب؟ جواب شديد الله اين ادعا جيست؟
T	مَتِفَ عِيمَ مانع است نه استصحاب؟ جواب شديد الله اين ادعا جيست؟
T	مَتِفَ عِيمَ مانع است نه استصحاب؟ جواب شديد الله اين ادعا جيست؟
T	مَتِفَ عِيمَ مانع است نه استصحاب؟ جواب شديد الله اين ادعا جيست؟
T	مقتف مانع است نه استصحاب؟ جواب شدید گه به این ادعا جیست؟ ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. درس عربول مرکز اردن استی ب
T	مَتِفَ مِهِ مانع است نه استصحاب؟ جواب شدید گه به این ادعا جیست؟ ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. مرس مرس مرس مرس استی به مرس مرس استی ب
T	مقتف مانع است نه استصحاب؟ جواب شدید گه به این ادعا جیست؟ ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. درس عربول مرکز اردن استی ب
T	مَتِفَ مِهِ مانع است نه استصحاب؟ جواب شدید گه به این ادعا جیست؟ ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. مرس مرس مرس مرس استی به مرس مرس استی ب
T	هتف یه این ادعا جیست؟ ا- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. مرس
T	مقتف مانع است نه استصحاب؟ جواب شدید گه این ادعا جیست؟ ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. مرسل مربی ارسی استی به مربی ارسی استی با مربی این این این این این این این این این ای
T	هتف یه این ادعا جیست؟ ا- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. مرس
T	مقتف مانع است نه استصحاب؟ جواب شدید گه این ادعا جیست؟ ۱- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. مرسل مربی ارسی استی به مربی ارسی استی با مربی این این این این این این این این این ای
T	ماته است نه استصحاب؟ جواب شهید گه به این ادعا جیست؟ ا- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. درست عرام از هر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. - «حکومت» را توضیح داده و مثالی بزنید. مام رفی رم از ارام در رساس دور رساس دور رساس بنویس

0

			oriestalist.
من من المنافع المن المنافع المن المنافع المنا	امتحانات عمومی تطح ۲		25.00
Jan. Jan. Jan. Jan. Jan. Jan. Jan. Jan.	سمسال اول ۱۱۰۰۰۱	1	17 1000
		l	ا من ا مول فقد ا ا ا ا مول فقد ا
فالمبائم معين الم المواجعة المراور أوات	(,,, ,,,	ول (حلقه تانيم)	المان
			ار اسمای در س ۲۰ با با
وأن المعارة	The same of the sa	14.71	
14	لت شکن در تکلبف چیست؟	ر،، قاعده عمليه اوليه در حاا	۱- به نظر شهید صدر اقدس ـ
	ب بوالت شرعي 🗌		الف مرات عقلي 🗖
	د اصالة شغل الذمد عملي 🗌		📙 افسالة شغل الدنه لمرعى 🗖
شود اثبات براثت شرعبه می کند؟	موضوع عنهم» به چه نحوهای لحاظ .	نب الله علمه عن العباد فهو ،	۲- کلمه «العباد» در «ما حج
د. إطلاق أحنوالمي 🗖 🌘 🖟	ج. عنوم مجنوعي 🛘	ب. عموم استغراقی 🛘	﴿اللهِ، عَمُومُ بِدَلَى □
		ت شرعی» نادرست است؟	۴- کدام گزینه درباره «بران
D.:	٧ ب. برانت شرعي قاعده عمليه ثانويه ا	نابده ندارد. 🛘 🔻	/ انف. حرای برانت در ستحبّات ا
باری میشود. 🗐	د. برات سرعی در شک در مکلف به ج	ایله حاری میشود. 🛘	ر أح. بواثث شرخي مد از عجص از
		بره، علم اجمالی، منجّز چیست	اً ۴- به نظر شهید صدر اندس.
اجب وافعي ميهاشد. 🛘	ب. منجّز خصوص آن طرفی است که وا	,	الف. فقط منجز حامع است. 🛘
بالي است. 🗋	د. منجز هم جامع و هم أطراف علم احم	, مى بائىد. 🛘	أج. منجز تدام أطراف علم إجمالي
	ر از حالات علم إجمالي نميهاشد؟	نس حره، شک بین أثل و أکث	م ا م نظر شهید صدر ۱۱
	and gradual gradual control of the second	بايد ساخل بانسد 🗖 💎	- استان من المناف
			ا أن. جون علم اجمالي در ابن مو
		. متباین وجود ندارد. 🛘	اً بِر. چون علم په جامع بين دو نرد
,			ا این اسکان ترخص شارع در
	ا حرام» چیست؟	لوالد و ولده» به دلیل «الرّب	ع- نسبت دليل «لا ربا بين ا
د. وارد 🔲 🤝 ۲۰۰۰ م	ح. مقيَّد 🗆	ب. حاکم اتحا	إنما محفقن □
رعی را بیان نسانید. کم و آگری ^{یم} .	إِلَّا مَا آتَاهَا » براي البات برائت شـ	ريخه « لا يكلّف اللّه نفسأ	۷- تفریب استدلال به آیه ث
			• 1
Nation dia and a		later to a	
شبهه مرضوعیه شدهاند. کیفیت استدلال	، اختصاص «رفع ما لا يعلمون» به	ساق در حدیث رفع قائل به -	۸- بعضی به دلبل وحدت س
		•	

٩- عبارت «ألإعتراض الاول على أولَة البرانة الشرعبّة هو أنّ هذه الأولّة الما تشمل حالة الشك البدوي لا السفيرن بعلم حسالي، و النقيه حينما للحظ الشبهات الحكميّة ككل يوجد لديه علم إجمالي.» را شرح داده و جواب شهيد الدس مرم از اشكال در حدرت را ېنويسيد. در، ۱۲ ۱۰ - مراد از انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر را به همراه مثال توضیح داده و دو شرط لازم أن را بنو بسید. ۱۱ 📢 ۳۱ – قاعده «مفتضی و مانع» چیست؟ و بک فرق آن با «استصحاب» را پنویسند. ۱۲- چرا ممكن است گفته شود: صحيحه زراره «... و الّا فائه على مقين من وضوئه. و لا ينقض اليقين أبدأ بالشك ...» ناطر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، ر جواب شهید اندس ـر،، از آن چبست؟ ۱۳ - در جربان استصحاب در امور تدریجی چه اشکالی مطرح است؟ جواب شهید اندس ــره) از آن چــــت؟ ۱۲- تعارض ذاتیً و عرضی را با مثال توضیح دهید. ۱۵۱ - در تعارض بين دليل برانت با دليل استصحاب، جرا دليل استصحاب را مقدّه مي دارند؟

1.4	" ,	المدون المائي مواجران
ر ١٠ صبح ١٠٠ - يافر ٩٠ دفيقه	المتحامات متمركز عمومي رسطين	b
عاسانام معنو اول فره رود فروت	نيرسال اول 11–11 نيرسال اول 11–11	الرشي ۱۲۲۲۸۸
	یانه بیمیر ۵ ساله بانه منسر ۷ ساله	\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\
ناسانام معنج دوم فرورون		رن اصول فقه ۴ ان دروس في علم الاصول احلقه ناميه)
	٠٠٠ ا	ر از اندای درس ۲۱ تا بایال کناب (می ۲۱۵-۲۱۵)
	که ملکی:	gapt stills:
شرمان: امان:	12.212	۱- در استدلال به حدیث رفع، بر براثت شرعی، کدا
ص ۱۱۲ تا ۱۲۵		الف. انَّ وحدة السياق تقتضى كون المصاديق من سنخ واحد. [
		ب. الرفع في الحديث يكون رفعاً ظاهرياً بمعنى تأمين الشاك.
		ج. الاطلاق يقتضى شمول الحديث للشبهة الموضوعية و الحك
		. يمكن ان يُراد بـ «ما لا يعلمون» التكليفُ المشكوك في كلتا
حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹	مراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه	۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤمّنة در اط
-/0		الف. محال عقلاً - محال عقلائياً 🔲
		ب. ممكن عقلاتياً- محال عقلاً 🗆
		إج. ممكن عقلاً- محال عقلانياً ☑
		و. ممكن عقلائياً - ممكن عقلائياً 🛘
رز جامع بدانيم؛ آنگاه طبق مسلک	را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منج	اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر
-/2		«قَبَع عقاب بلا بيان» و مسلك «حق الطاعمة»، حكم :
		الف. وجوب موافقت قطعيه – وجوب موافقت قطعيه 🛘
		ب. جواز مخالفت قطعيه - وجوب موافقت احتماليه 🗆
		ج. جواز مخالفت احتماليه – جواز مخالفت احتماليه 🛘
	_	 د. وجوب موافقت احتمالیه − وجوب موافقت قطعیه ☑ ۱.
./۵	الحادث يبقى» استوار است؟ ص ٢۶٧	۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلبة أنّ
		اً الف. قاعده يقين 🗖
		ب. قاعده تجاوز 🔲
		ح. اصل استصحاب 🗹
May 51 5. 4	1: 1	د. قاعده مقتضی و مانع □
	.: لا تنفض اليفين بالشك أبدا) شامل حالت ط 	۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که میفرماید
./۵		الف. نعم؛ بقرينة مورد الرواية وكون الـــائل ظائنًا بالحدث. 🗆
		ب. نعم؛ بقرينة قوله «و لكن انقضه بيقين آخر». ☑ الدران الناسطان المسترات أص
		ج. لا؛ لتنويع الظن بالمعتبر و غير المعتبر. □ . لاد لاد كان كان ما الذات : أ. □
	and Co. In-	لا؛ لان الشك لايشمل الظن وضعاً. □ كم وقال من مسلما الماسية ما الموركا المسلمان الماسية
./3	<i>مرز</i> قطعی چیست! ص ۳۱۹	 کا دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محملیه
		ت. ورود دلیل محرز بر اصل ☑
		ه. حکومت دلیل محرز بر اصل □
		. دليل محرز. تخصصاً خارج است. 🗖
		چون دلیل محرز اهم است از اصل. 🛘 🔻 🛴

امنحانات متمركز عمومي. اصول فقه ٤ - كان: ٦٩٢٢١،١٨

۷- نحود استدلال به آیه شریفه «قُل لَآ أُجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا ...» (اتعام ۱۴۵) بر براثت شرعه را توضیح داده، شهد صدر ارد.
 چه اشكالی بر این استدلال وارد میكند؟ ص ۲۲۰ - ۲ نمر.

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجّه [و مباحثه] با یهود را به بیامبر می آمورد. حداوند نحوه انبات برانت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان میکند و این نشان از آن است که «بیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اتبات «برانت شرعیه» است حواب: اشکال این است که نیافتن بیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر حه که بر بیامبر وحی نشود و حرمتس به بیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت براس تشریع نشده است. نمی توان این قضه را قباس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر اسی رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف معی تواند بس از فحص و یأس بگوید: «حون من بیافتم بس این جبز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ جرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. بس این آیه – که اثبات عدم جعل میکند – با اثبات یا نفی برانت شرعیه، بیگانه

٨- اشكال مطرح در عبارت «ألإعتراض الاول على أدلّة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلّة انّما تشمل حالة الشك البدوى لا المقترن بعلم إجمالي، و الفقيه حينما يلحظ الشبهات الحكميّة ككل يوجد لديه علم إجمالي» را توضيح داده، جواب شهيد صدر (١٠٠) الإ أين اشكال را بنويسيد. ص ٢٣٢ س ٧ - ٢ نمره

جواب. اسکال شده که ادله برانت در حایی جاری میشوند که شک، بدوی باسد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی الکلیف واقعی – مثلا ده تا – در بین مجموع شبهات حکمیه و با وجود این علم اجمالی، در هیجکدام از شبهات حکمیه نمیتوان برانت شرعیه جاری کرد باسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله. آن «علم اجمالی»، منحل می شود به «علم تفصلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کنتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی سهات؛ حراکه علم به وجود تکلفی در میان آنها برایس باقی نسیماند [و شک در این مابقی بدوی است] که استار این این ماباد این

۹- برخی از ادله «برائت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحص نیز می شود؛ با این وجود، شهید صدر (رما این اصل را مشروط به فحص می داند و سه دلبل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۲۹ و ۲۲۰ – ۲ نمره و حواب: إسه حوابی که سهید صدر ارما می فرماید عارتند ازم الله برائت شرعیه تابت می کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بهانی بر ایک تکلف، در معرض وصول بوده که با فحص به دست می آمده است اصل آبه «و ما کنا معذبین حتی نبعت رسولا» که برای اثنات برائی عدم عذاب بساستدلال سده است گفتیم که «بعت رسول» مثالی است برای بیان حکم، س «عدم بیانی که در معل وصول مکلف باسد» غایت است برای عدم عذاب بسایر جا جنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می دهد بس ناچار از فحص است. است به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با «فحص» منحل می شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل برائت است. پس بدون فحص، محلی برای احرای اصل برائت نیست. ۲. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلم. در روز قیامت از مکلف می برسند: «حرا عمل نکردی آیه تکالف]؟» جواب می دهد: «جون آیه تکالف) علم نداشتم.» سؤال می شود که «جرا برای دانستن تلار که جنین روایاتی قد می زند اطلاق [ادعا سده در] دلیل برائت را و ثابت می کند که «شک بدون فحص» عذر شرعی [و رافع عفاب] نیست.

۱۰ ـ رکن چهارم برای «تنجز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلال این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶ ـ ۲ نمره

جواب: رکن جهارم برای تنجُزِ علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونهای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برائت را جاری کنیم در حقیقت. حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باسیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باسد: اما در این منال رکن جهارم محقق نمی شود:

اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن منت کافر. تکلیف الرامی صادر سده است؛ اما نمی دانیم که آن تکلیف. آیا «وجوب دفی» است یا «حرمت دفن» مطلب در ابنجا دائر بین محذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] برانت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی شویم [جون در این مثال، مخالفت قطعیه – همانند موافقت قطعیه – محال است؛ جرا که در مقام عمل. یا دفن صورت می گیرد – که با وجوب سازگار است – و یا دفن ترک می شود – که با حرمت سازگار است – آ

۱۱- با توجه به عبارت «اذا ثبت ان السورة – مثلاً – جزء في حال التذكّر و شككنا في اطلاق هذه الجزئية للناسي فهل تجرى البرائة عن السورة بالنسبة الى الناسي؟ فقد يقال ان هذه الصورة من حالات الدوران بين الاقل و الاكثر فتجرى البرائة عن الزائد. و اعترض على ذلك بان الدوران يفترض وجود امر موجّه الى المكلف على اى حال و ليس هذه الصورة من هذا القبيل» ادعا مذكور در «فقد قال...» و اعتراض وارد شده برآن را را تبيين كنيد. ص ۲۶۱ – ۲ نمره

حواب: مدعی در صدد است که «شک در جزئیت سوره در حال نسیان» را از قبیل دوران امر بین اقل و اکثر بداند و برای ناسی، در زاید از متیقن – یعنی در جزئیت سوره – برانت جاری سازد و حکم به عدم وجوب در حال نسیان نماید.

اعتراض این است که در دوران بین افل و اکبر، باید یک امر و یک خطاب متوجه مکلف باشد و سیس سک کیم که متعلق آن امر آیا [مثلاً] ۹ مورد است یا ۱۰ مورد؛ ولی در محل بحث، [یک خطاب که متعلق آن تکلیف به اکثر و ده جزئی است متوجه مکلف در حال تذکر شده است و دورانی بین اقل و اکبر متصور نیست؛] خطابی نداریم که متوجه ناسی باشد و احتمال دهیم که متعلقش همان اقل و تکلیف ۹ جزئی [و بدون سوره] باشد و در مازادش شک کنیم چون معقول نیست که حطاب و امر، متوجه ناسی [بما هو ناسی] گردد؛ جرا که ناسی [در حین نسیان] ملتفت به ناسی بودنش نیست و در نتیجه [تکلیف متوجه ناسیان را شامل خود نمی بیند و] از آن امر، منبعث نمی گردد.

۱۲– مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ – ۲ نمره

حواب: قیودی که عرفاً مقوّم و منوّع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وحوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ماشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم میکند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منرل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را دامه وجوب قبلی نمیداند؛ حون «ضیف بودن» را مقوّم ومنوّع حکم میداند، این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند.

قبودی که عرفاً مقوّم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت. «تغیّر» قید تنجس است؛ حال اگر آنی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یفتناً حکم تنجس موجود است. اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد. عرف همجنان آب را متنجس میداند این قبود را حینیات تعلیلیه مینامند.

۱۳– حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده. دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۹۱ – ۲ نمر.

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید و آرد مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. جنانجه بخواهیم وجود انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از خالد دخل مسجد گردیده به گونهای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. جنانجه بخواهیم وجود انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک میباشد]. در این قبیل موارد، نه استصحاب فرد جاری میشود و نه استصحاب کلی (۱ نمره) زیرا فرد اول، شک در بقای وجودش در زمان لاحق نداریم و فرد دوم، یقین به وجود شیء در زمان سابق نداریم سر استصحاب فرد ممکن نیست. اما استصحاب کلی ممکن نیست؛ جرا که رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. توضیح اینکه کلی اول در ضمن فردی محقق شده بود که کلی دوم در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافته است و از آنجا که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافت از انها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافت از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافت از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافت از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی افته است و از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافت از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافت و از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی سافته است و از آنها که کلی در ضمن افراد تحقق می در شده با یکدیگر هستند. (۱ نمره)

۱۴- برای تعارض بین «استصحاب سببی» و «استصحاب مسببی» یک مثال زده و تعارض بین آنها را تبیین کنید. ص ۲۹۸ – ۱/۵ نمره

جواب: مثلاً ظرف آبی داریم که یقین به طهارت سابقش و شک در نجاست لاحقش داریم. یک لباس هم داریم که یقیناً نجس بوده و پس از شستن آن با این آب مشکوک، شک میکنیم که آیا پاک شد یا نه. اگر به هر یک از آب و لباس به طور مستقل بنگریم، دو استصحاب متصور است: ۱. استصحاب طهارت آب ااستصحاب سببی) ۲. استصحاب نجاست لباس (استصحاب مسببی) ۱۱ نمره)

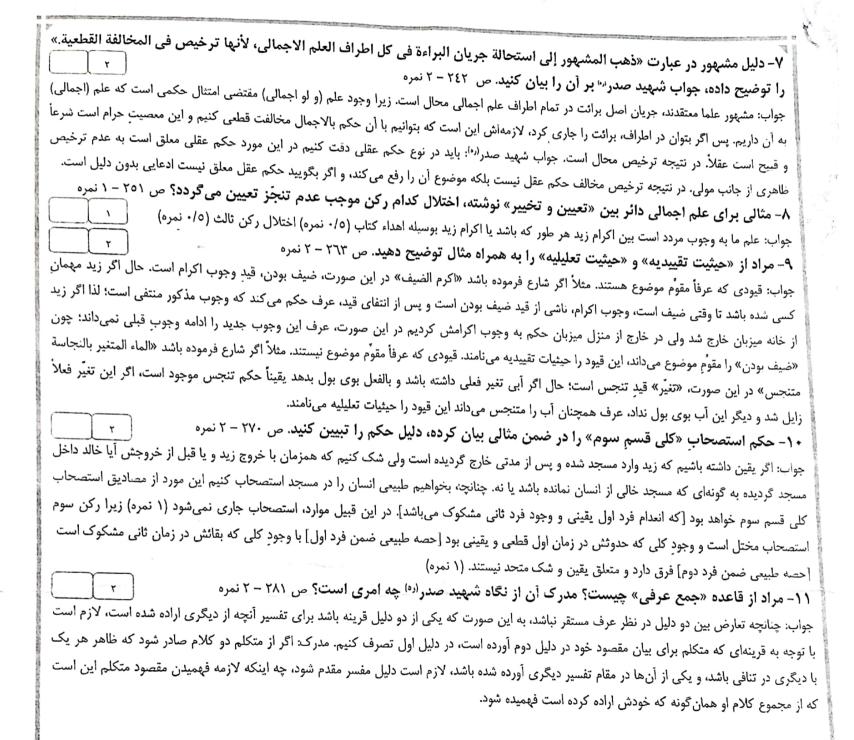
اتبیین تعارض: استصحاب سببی. طهارت لباس را به دنبال دارد و استصحاب مسببی. نجاست و عدم طهارت لباس را و این دو حکم متعارض هستند و این تعارض ناشی از تعارض و عدم امکان جمع بین منشأ این دو حکم [یعنی آن دو استصحاب] میباشد. (۰/۵ نمره) ۱۵ عبارت «حالات التزاحم خارجة عن نطاق التعارض بين الادلة؛ بل فيها يتقدّم الاهم على الاقل اهمية» را در ضمن مثالي براي تزاحم، توضيح دهيد. ص ۳۰۵ – ۱/۵ نمره

جواب: هنگاهی تزاحم محقق میشود که تنافی بین دو امتئال باشد نه بین دو جعل [دو مدلول دلیل] که محقق تعارض است؛ مئلا مکلف میبیند که کسی در حال غرق شدن است و برای نحات او باید از زمین مردم عبور کرده و مرتکب غصب شود. از طرفی تکلیف داریم که «غریق را حات بده» و از طرف دیگر تکلیف داریم که «غصب نکن» که این دو تکلیف، در مقام امتئال با هم تنافی دارند و نمی توان هر دو را امتئال کرد. در این قبیل موارد، تنافی بین مدلول ها در ادله شرعی نیست تا تعارض بین ادله رخ داده و مشمول ادله باب تعارض گردد؛ بلکه وظیفه مکلف در مقام امتئال این است که مفاد دلیلی را که اهم است حلیل مهم، مقدم نماند.

		O C
Selection (غانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	مرکز دورت وزده ای طرفه ایران مدین ایران مدین
رامنه ۱۰ مست الله ۲۰ من آنها ۱۰ دفیقه	عامات ممرکز عمومی (مطح۲)	-1
مناسيانام معنح ال فروبيد فروبه حروث	لبيسال اول ١٣- ٩٢	كداخلق المحارات المحا
	باب پنجس و سال	نمن: ۱۳۹۲/۱۰/۲۴ منون اصول فقه ۴
شاريانام منخ "م فرورون فرورون	PP M-7 1/6	مزي, اصول فقه ۲ کتب، الحلقة الثانية (شهيد صدر درما)
	٠ ١٠ مدرس	المرووز از ایتدای درس ۲۱ تا پایان کتاب (ص ۲۱۵-۲۱۵)
شرمان:	ر کرهنگی:	
	در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷ و ۲۲۹	۱- به نظر شهید صدر الله قاعده اولیه و ثانویه در «شک
-/4	, ,	الف. احتياط عقلي و برانت عفلي الما
		ب. برائت عقلی و برائت شرعی 🗆
		ج. احتياط عقلي و برائت شرعي ☑
-		د. براثت شرعی و احتیاط عقلی 🗆
صلی است؟ ص ۲٤٠ الله	^ی در تکلیف است یا مکلّف به؟ مجرای چه ار	۲- شک در «وجوب نماز آیات به واسطهی خسوف»، شک
	V C V C C C C C C C C C C	الف. تكليف – برائت ☑
		اب. تكليف – اشتغال 🗖
	•	ج. مکلف به – برائت 🛘
		د. مكلف به – اشتغال 🗆
الله أخر، فعلى الأول بكون التكليف قد	ً بأنَّ الشارع أوجب عليه إمَّا هذا الفعل أو فع	۳- در مثال «إذا أتى المكلّف بفعل مترسّلاً ثم علم إجمالاً
ربعه منجزية علم احمالي اختلال سدا	يف لا يعلم ثبوته فعلاً» كدام يك از اركان أ	السفط بالإتيان بالمكلف به و على الثاني يكون ثابتا، فالتكا
		_ اکرده است؟ ص ۲۰۳ س ۲۰
		الف. الركن الأول 🗹
		ب. الركن الثاني 🗆
		ج. الركن الثالث 🗖
		د. الركن الرابع 🗖
، به کشم <i>ش می</i> شوند و شک می <i>کند</i>	آذا غلی حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل	ع- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب آ
./۵		که «هذا الزبیب اذا غلی حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای
		الف. استصحاب مجهولة التاريخ 🗆
		ب. استصحاب کلی قسم سوم 🛘
		ج. استصحاب تدریجیات 🗖
4		د. استصحاب تعليقي 🗹
جرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص	شك يوم الاحد في نجاسته يوم السبت» م	٥- مثال «اذا كان على يقين من نجاسة ثوب يوم السبت ف
-/۵		
P .		الف. اصل برائت □
		ب. قاعده يقين 🗹
		اج اصل استصحاب 🗖
*		د. قاعده مقتضی و مانع 🗖
-/0	ه نحو است؟ ص ۳۰۵	۱- تعارض بین «ادله برانت عقلی» با «ادله خبر واحد» به چ
(s) (s) (s)		الف. ظاهر و نص 🗖
		ب. مورود و وارد ا∑
		ج. عام و خاص □
		د. محکوم و حاکم □

لائية و	٧- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقا
الله را	استقباح معاقبة الأمر في المجتمعات العقلائية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم نائيني ﴿ و جواب شهيد صدر
	ابنویسید. ص ۱۱۱ س ۸
	جواب: استدلال مرحوم نائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیلهی مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم قبیح می شمرند.
. موالی	[(و حدود حق اطاعت موالي عرفي را تحاليف قطعي و معلوم مي دانند قلدا محدوده حق اطاعت شارع هم تكاليف قطعي و معلوه است) بزار ارز عقال شارع حمانند
N.	ا عرفيه زماني صحيح است ته تحليف واصل و معوم باسد.
جعل،	جواب شهید صدر الله: قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت موالی عرفیه بدون دلیل است زیرا حق طاعت آمراء و موالی عرفیه، جعلی میباشد و به تبع همین
1 1.	الوسعت و طيق دارد ال معلوم مي سود كه عادة در عدود فاقتيف معلوقة جنل مي دردد اما حق طاعت خراماد متدا الزات الأي المادان والماد المادان والمادان والم
١ .	احق مجعول، ملازم با مصیق بودن دائره حق دانی تحویتی تمی بسد بعثه برای تحدید دائره حق خداوند متها ایان به عقل می از می تحدید دارد
ا, لو	۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شدهاند، کیفیت استدلال از
M	ابنویسید. ص ۱۲ س ۱۱
وضوع	حواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرهوا علیه و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه» مراد از آن مو
شبهه	خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما»ی در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می شود و لذا مختص به
ı	موضوعيّه خواهد شد.
ىية.»	٩- دليل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطع
	را توضیح داده، جواب شهید صدر الله بر آن را بیان کنید. ص ۲٤٧ و ۲٤٨
مه (ر	جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمال
رعاً و	أن داريم پس اگر بتولن در اطراف، برائت را جاري كرد، لازمهاش اين است كه بتوانيم با أن حكم بالاجمال مخالفت قطعي كنيم و اين معصيت حرام است ش
هری	قبیح است عقلاً در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر طفح: باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظا
	از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخانف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.
نظر	۱۰ - مقصود از عبارت «من اركان قاعدة منجزية العلم الاجمالي ان يكون كلّ من الطرفين مشمولاً في نفسه لدليل اصل البراءة بقطع ال
	عن التعارض» را توضيح داده، مثالي بزنيد كه اين ركن در آن موجود نباشد. ص ٢٥٢ و ٢٥٥
چنین	ا جواب: یکی از شرایط منجزیت و حجیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیصی (برائت) جاری کرد. در .
نفسه	مواردی است که می گوییم جریان برائت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف [با قطع نظر از تعارض اصل در دو طرف]، اصل برائت را فی حد :
. انها	نبذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری می شود لذا علم اجمالی منجز نیست. مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف داشته باشیم و یکی از خارج از محل ابتلا باشد، ظرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برائت جاری شود.
پس	برائت در ظرف دوم معارض ندارد.
<u> </u> _	۱۱ - قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق أن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۹۷ س ۱۵
	رایات اعده ی مقتضی و مانع قاعده ای است که می گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتض
ی ر	بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم أن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضي و وجود مقتضیٰ مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک د
10-27-	که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا میگذاریم بر عدم مانعیت و حکم میکنیم به وجوب جمعه.
اشته	وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دواءِ مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتفای مانع گذ
	میشود و لذا مقتضا یعنی موت ثابت میشود.
تعلق	فرق: ۱. در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متغایرند تعلّق می گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب م
ر در	یقین و شک ذاتاً واحد است. ۲. از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «غلبه اینکه مقتضی نافذ و مؤه
	معلول است.» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی میماند.» است.
	۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰
مان	حواب: قیودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مه
ىد از	کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای ِقید، عرف حکم میکند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگ ز
دون ا	حابه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی داند؛ -
تفدا	«ضيف بودن» را مقوم و منوع حکم ميداند، اين قيود را حيثيات تقييديه مينامند. قيودي که عرفاً مقوّم حکم نيستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء الم
تغير	التجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگ این
	نعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قیود را حیثیات تعلیلیه می نامند.

	,	~
امتحانات متمركز عمومي (سطح ۲)	(()	9
		-
شهربور سال تعصلی ۱۷–۹۶ تعیانم سخ دل تربیده نربیده	7957/77	كالمفاد
بابه طنع ٧ حاك	47/-5/11	31
الاصول «العلقة الاول و الثابة عن اسلوبها الثام»	اصول فقه ۴	مای
مهر مدر۔۔ مارت کتاب (ص ۲۸۸–۲۲۱)		-
مرين استان ا	ام د نام خانوادی:	
العة خداوند با حق الطاعة بين عقلاء صحيح نيست؟ ص ٢٢٣	ا قياس حق الع	3-1
	الطاعة الهي، ذات الطاعة الهي، ذات	5.0
	الطاعة الهي، يقين _ة	
_	الماعة الهي، واجب	2
_	طاعة الهي، جعلى	- 4
ر حدیث رفع: «رفع ما لا یعلمون» چه فرض گردد تا شامل شبهات موضوعیه و حکمیه هر دو باشد؟ ص ٢٢٩		
	ليف ظاهري 🛘	
	ِ فِ واقعی ٰ □	5
	خارجی 🗖	- 1
	و فعلى ☑	70
ر يقين من عدالة زيد يوم الخميس فشك يوم الجمعة في عدالته يوم الخميس» مجراي كدام قاعده است؟ ص ٢٥٣	ل «اذا كان علم	٣- مثار
_	ده مقتضی و مان	100
	ال عقلي 🗆	. 1
	، يقين 🗹	
	لحاب 🗖	د استصا
ض وجود موضوع واحد تطرأ عليه حالتان متضادتان كل واحدة موضوع لحكم شرعى» ناظر به كدام گزينه است؟		10
-/4		ص ۲۷۳
_	ک فی التقدم و اا •	- 2
ш,	ك بين المحذورين	- 5
	ولى التاريخ 🗆	. 8
وم عادمون (ه) با با احتراك مورد المرمود في قيام تعلق الأمكان الله في الكرم أترام الطلاقية ٢ م. عاد الأن	الحالتين [⊻] سيارتين : ا	
لشيخ الاعظم (٩) بان ارادة الجامع من الموصول في قوله تعالى: (لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها)(الطلاق ٢) غير ممكنة لانَه مفعولا مطلقاً و بلحاظ المال مفعولا به فالاولى هي نسبة الحدث الى بعض اطواره، و الثانية نسبة المغاير الي		
		68
ده، اعتراض بر چیست؟ ص ۲۲۰ - ۲ نمره اده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است به تعبیری: لا یکلف الله نفساً تکلیفا الا التکلیف		
مال را در نظر بگیریم مفعول به به تعبیری: لایکلّف الله نفسا مالا الا المال الذی أتاها. نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدث		12
های را در همر بخیریم معنون به تخبیری د پاست مه صفح کند امامی احدی اندان است بین می و معنون معنی سبت بین صفح ن (تکلیف) است ولی نسبت بین فعل و مفعول به اینگونه نیست و مفعول به یکی از اشکال فعل نیست بلکه مغایر آن است، در نتیجه نسبت		- E
ن رکنیف) است ولی نسبت بین عال و تصورت بین بوده نیست و تصون به یعی از انتخال عال نیست بعد صدیر آن است. در میرات ا فعل و مفعول به مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین		
نمره) استدلالی که به آن اعتراض شده است: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. (٠/٠		Tallian B
کوره) استدا کی جا پہ ان احتراض سند است. احتی کوخوں احتیٰ کی گرفت کا کرتا از ان حقایق جاتے ہیں کان حق و حقیف است. او ا	مان است. ۱۲۰۱	ندر میسی
مه «بعینه» در حدیث: «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابدا حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» برای	نه دخل از کا	سرد) ۳- حگه
بهات موضوعیه استدلال مینمایند؟ با مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۰ – ۲ نمره		. 0
به حکمیه این است که کلمه «بعینه» تأکید صرف باشد برای حتی تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه		p.
بر هبچه حصیه این است که صلبه اجتمالی دارد که گوشت حرامی در کل گوشتهای شهر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام		. 1
حرمت است و بعینه ناظر به علم تفصیلی به مشکوک الحرمة است و با توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث		1
	به عمم اجمائی به وضوعیه متعیّن م	
ى كردد. ك.	وصوعيه سنين ـ	بر سبه -



	Constitution of the contract o			11
	ر مخانات متمرکز عمومی			@
	متحانات متمركز حمومي	l		refunction
مامت برگزاری: ۱ مع نره: ۱۵ نمان بانتخلین: ۷۰ وقیت	شهریور ۹۸–۱۳۹۷		Y9VT/1A	کد امتحان :
شا-يام معم اول فرورود فرور فروت	م ورودی بهمن، پنجم ۵ ساله، هغتم ۷ ساله	بنإ مالا	1544/.8/.4	تاریخ آزمون :
			اصول فقه ۴	عنوان:
مناسبالم منح ١١٩ فرويعه فروي ووث	(مهر حوزه آزمون)		دروس في علم الاصول (حلقه ثانيه)	كتاب:
		ب (ص ۲۸۸-۲۲۱)	حلقه ثانیه: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب	محدوده:
			ندارد	حذفيات:
		1. /		
ربآن: درسه علميه:		كد للكبي:	نام چرد:	نام و نام مانوادی:
مرعی، کدام است؟ ص ۲۲۳ در.	اولیه هنگام شک در تکلیف ش	در ^(ره) قاعده	مسلک حق الطاعة شهيد ص	۱- با توجه به
				الف. برائت عقلي
				ب. برائت شرعی
				ج. اشتغال عقلي أ
				د. اشتغال شرعی
وب احتياط ندارد؟ ص ٢٣٣ [٥/٠	لدینک بماشئت» دلالت بر وج	بنك فاحتط	ینه حدیث شریف« اخوک د	۲- به کدام قر
				الف. التقييد بالمش
				ب. التقييد بالدين
				ج. لفظ اخوک 🗖
	-			D VI.
لفابه؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۲۸	»، شک در تکلیف است یا مکا	ر استطاعت،	وجوب حج» به دلیل «شک د	۳- شک در «و
./۵				الف. مكلفبه - بـ
				ب. مكلفبه – اش
				ج. تكليف – اشتغا
			\square	۔ د تکارف – برائت
ة طاهر» چيست؟ ص ۲۸۱ مار.	هرأ» و « ان مشكوك الطهارة	ان يكون طا	دو دليل «ثوب المصلّي لابُد	ع- نسبت بین
				الف. تخصص 🗖
				ب. حکومت ☑
				ج. تقييد ׄ □
				د. ورود 🏻
نضى للتحرك عنه، فأن المحرك خصوص	م العلم به عقاب على ما لا مقا	ليف عند عده	عيا. ت «أن العقاب على التكا	۵۰ وروء — ۵– یا تمحه به خ
اب شهید صدر ^(۱۰) از آن را تبیین نمایی	ا به همراه مثال نوشته و جو	۔ قبح عقاب	محقق ناسني (ره) به قاعده	العلم» استدلال
*			٠. المحتى -	استم» استدار ص۲۲۳
این که معلوم باشد محرکیتی ندارد، (مانند این	ته باشیم وگرنه تکلیف واقعی بدور:	يه أن علم داث	اهٔ در صمرتی محرکیت دارد که	
ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باش	د، شما دای فرار تحریک می شوید	ب ن آن نداشته باش	یک در صوری شام به	جواب. سریب، بند ۱ د نده مشت
د ندارد و قبیح است مولی ما را بر مخالفت تکلیه	ہد شہر ہر ہی طرح مرد سے کی ہے۔ محادہ مختصامہ محاکس محا	ان مدست جسا	دیوار ایساده باسد و سنه عمر ب	سیری درنده پست
ره هزاره و حيي عدد عربي ۲۰۰۰ از د	ہ بند می ت است	سورت سدم سه		
			ب ندارد عقاب کند.	که افتضای بحرید

اشكال: أن چه محركيت دارد، اين است كه عبد مىخواهد حق الطاعه مولى را رعايت كند و از عهده أن خارج شود، همه هدفش خروج از اين عهده است نه اين كه هدفش صرفا امتثال تكليف با عنوانش باشد، لذا بايد حدود اين حق الطاعه را ملاحظه كنيم كه آيا شامل تكاليف مشكوكه همه مى شود يا

خیر؟ در صورت شمول تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگویید شامل نمی شود این مصادره و اول کلام است.

٦- عبارت : «اما الاول (اختصاص حديث الرفع بالشبهات الموضوعية) فقد يستدل له بوحدة السياق لاسم الموصول إفي حديث الرفع |، أذ المقصود منه في «ما اضطروا اليه» ونحوه الفعل الخارجي لا نفس التكليف...» را به همراه دليل تبيين نماييد. ص ٢٢٨ - بوخي قائلند كه حديث رفع: « رفع عن امّتي تسعة اشياء: الخطأ و النسيان و ما أكرهوا عليه و ما لايعلمون و مالايطيقون و ما اضطروا اليه» بر اصل برائت فقط در شبهات موضوعيه دلالت دارد و شبهات حكميه را شامل نمى شود و اينگونه استدلال كردهاند كه سياق ر اسم موصول «ما» مستلزم اختصاص به شبهات موضوعیه است زیرا روشن است که «مای موصول» در «ما اضطروا البه» و مثل أن یعنی «ما ر اکرهوا علیه» و «مالایطیقون» فعل خارجی است زیرا اضطرار به حکم یا اکراه به حکم معنا ندارد بلکه اضطرار و اکراه مثلاً به اکل میته است که . موصوع خارجی است تعلق می گیرد پس به دلیل وحدت سیاق «مالایعلمون» نیز بر موضوع خارجی حمل می شود. ٧- چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص۲۴۵ جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرابت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر أز تعارض مشمول ادله برائت باشند. <u>رکن چهارم</u>: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود. ۸- با توجه به عبارت: «استدل على الاستصحاب بحصول الظن بالبقاء فممنوع كبرى و صغرى» استدلال و نقد أن را تبيين جواب: برخی می گویند یقین سابق موجب ظن به بقا می شود [مثلا شخصی زنده بوده است اکنون شک می کنیم هنوز زنده است یا خیر، احتمال زباد رنده است.] (٠/٥ نمره) اشكال كردهاند كه كبروياً اين استدلال ناتمام است زيرا دليلي بر حجيت چنين ظني نداريم و صغروياً نيز ناتمام است زيرا مجرد حالت سابقه افاده ظن ندارد بلکه گاهی اوقات به دلیل خصوصیتی که مقتضی استمرار است، افاده ظن دارد. (۱/۵ نمره) ۹- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳ جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمیداند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع میداند، این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند. قبودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اكر شارع فرموده باشد «الماء المتغير بالنجاسة متنجس» در اين صورت، «تغيّر» قيد تنجس است؛ حال اكر أبي تغير فعلى داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را ستجس میداند این قبود را حیثیات تعلیلیه می نامند. - ۱ - فرق بين «استصحاب» با قاعده «اليقين» و قاعده «المقتضى والمانع» را به همراه مثال تبيين نماييد. ص ٢٧٣ و ٢٧۴ جواب: قاعده بقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت می کند و حقیقة شک ناقض تکوینی بقین است برخلاف استصحاب که شک به بقای متیقن تعلق می گیرد، مثلا به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قاعده المقتضى و المانع در این قاعده یقبن و شک به دو امر متغایر یعنی مقتضى و مانع تعلق می گیرد مثلا مارى زید را گزید

که مقتضی مرگ است اما شک می کنیم که آیا به طبیب مراجعه کرد یا خیر. ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زمانا فرق می کنند. 11- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجَحات باب تعارض که شهید صدر اده مطرح کردند را به ترتیب نام ببرید. س۲۸۴

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجّحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامّه است.

«سامانه پیام کوتاه ۲۹۱۷۱۷۲۱۴۴۲۹ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتمانی میباشد.» «در صورت ارسال پیام خوتاه، ذکـر کـد امتمان و شماره سؤال به صورت دقیق مهت امکان بررسی و موابکویی ضروری میباشد.»